

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۱ خرداد ۵۹ شماره ۵۵ تک شماره ۱۰۰ ریال

کنفرانس کشورهای اسلامی پیروزی خط نه شرقی نه غربی

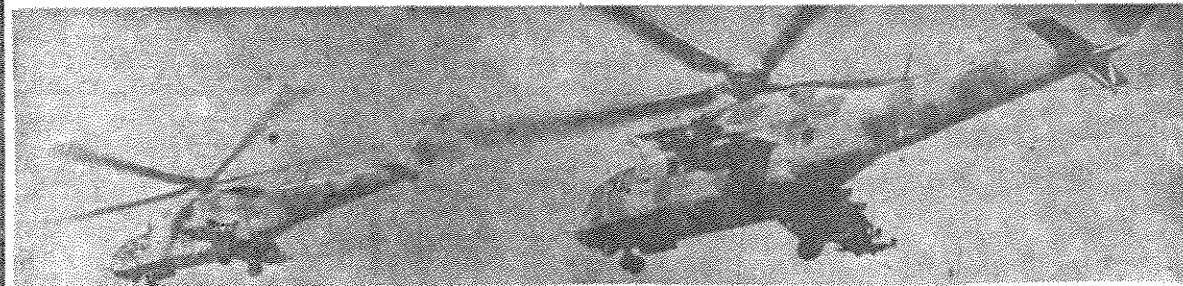
با اینکه هنوز نتایج نهایی کنفرانس کشورهای اسلامی بطور دقیق روشن نشده، لیکن از هم اکنون میتوان گفت که شرکت هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس مذکور و فعالیتهای

این هیئت که ریاست آن بعهده وزیر امور خارجه است، یکی از دستاوردهای مهم سیاست خارجی ایران در زمینه اعمال یک سیاست فعال خارجی نه شرقی، بقیه در صفحه ۲



سومین تجاوز نظامی روسیه به ایران

به تجاوز روسیه پاسخ دهیم



نمونه هلیکوپترهای روسی که در تجاوز نظامی به ایران شرکت داشتند.

"هلیکوپترهای روسی بوده و راکتها نیز که لاشه آنها در دفتر کار من موجود است و بویکهای به جا مانده بقیه در صفحه ۲

آمریکا و روسیه هر دو تجاوزگرند
حمله به تایبان مقدمه‌ای برای تجاوزات بعدی است

تجاوز نظامی بیشرمانه هلیکوپترهای روسی به خاک میهن ما، در منطقه تایباد، در بامداد روز سه شنبه سی اردیبهشت، علیرغم بی‌اعتنایی برخی محافل حاکمه و علیرغم موضع غیر قاطع دفتر ریاست جمهوری، یک تجاوز وحشیانه بود که به شهادت یک نفر از اهالی زخمکش روستای مورد تجاوز نیز انجامید. طبق اخبار متعدد مندرج در جراید صبح "دو هلیکوپتر افغانی واقع در ۴۰ کیلومتری شهر تایباد را

بوسیله راکت و گلوله‌های کالیبر ۵۰ مورد حمله قرار داده‌اند. روزنامه بامداد مینویسد که حدود یک هزار گلوله شلیک شده که تعدادی از آنها خانه‌های کارگری را نیز مورد اصابت قرار داده است. لکن از تعداد کشته و زخمی احتمالی در این خانه‌های کارگری صحبتی نشده است. فرماندار ناحیه "باخزر"، ناحیه‌ای که تجاوز در آن صورت گرفته است، در جواب خبرنگار پارس در مشهد قاطعانه اظهار اطمینان کرد که

سپاهان آمریکا پیامی خیزند

گزارش میدهند که از اوایل هفته اخیر با طرایی دادگاه شهر "تامپا" در فلوریدا در مورد آزاد کردن چهار پلیس

مردمی که سالها انواع تبعیضها، محرومیتها، ستمها و توهینها را تحمل کرده‌اند امروز مجدداً "بنا خاسته‌اند. آنها نخبه‌دیده‌اند که

اظهار نظر آقای گرامرودی:

مقابله‌ای غیر جدی و

تجاوز نظامی روسیه و واکنش باند کیانوری

دیروز در حالیکه خبرنگار هلی کوبترهای روسی-افغانی به حریم مرزهای ایران از قول مقامات رسمی دولتی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در رسانه‌های گروهی و روزنامه‌های صبح و عصر بطور مفصل انعکاس یافته بود، برای روس نامه "مردم ارگان باند کیانوری این حادثه آنچنان طبیعی بود که هیچگونه نیازی بدرج آن ندید و در عوض ضروری دانست که با تیز درشت در بالای صفحه اول "بابتکار مهم بقیه در صفحه ۶

آمریکادر جلب اروپا ناموفق ماند

بالاخره اجتماع وزیران امور خارجه ۹ کشور عضو جامعه اقتصاد

تجاوز هلیکوپترهای روسی که از مرز افغانستان وارد ایران شده و بخشی از منطقه مرزی را با راکت و گلوله به آتش کشیده و یک نفر از هموطنان ما را به شهادت رسانیدند، حلقه‌ای از زنجیر طولانی تهدیدات و تجاوزات امپریالیسم روسیه علیه انقلاب ایران و جمهوری نوپیدا اسلامی است.

شواهد فراوانی موید این واقعیت اند و ما بارها برایین مطلب تاکید کرده‌ایم - که در برنامه سیاست سلطه جویانه روسیه برای تسلط بر سراسر منطقه خلیج فارس و جهان، کشور ایران از اهمیت بسیار زیادتری نسبت به افغانستان برخوردار است، و بنا بر این تعجب آور نیست که امپریالیسم روسیه افغانستان اشغال شده را بمثابة پایگاهی برای تهدید و تجاوز علیه ایران بکار بندد.

با توجه به اهمیت عظیم کشور ایران در محاسبات استیلاجویانه روسیه، از هنگام پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون، بخوبی شاهد این واقعیت هستیم که زمامداران روسیه بعنوان عکس العمل در برابر سیاست خارجی ما تاکتیک نان قندی و تازیانه را بکار بسته‌اند: هرگاه گزاشی به شرق در سیاست ایران محسوس گشته است، شاهد سیاست تحقیر و ابراز پستیبانی‌های روسیه بوده‌ایم و هر زمان مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را با مبارزه علیه امپریالیسم روسیه توأم ساخته‌ایم، با تهدیدات آشکار و نهان روس مواجه گشته‌ایم.

بطور مشخص، رابطه تجاوز نظامی اخیر روسیه را با چند مسئله جاری بخوبی میتوان مشاهده کرد:

۱- چنین تجاوزی در درجه اول پاسخی تهدید آمیز و قلدر منشانه است. به سیاست ایران در کنفرانس کشورهای اسلامی که سه شنبه در پاکستان خاتمه یافت. هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس اسلام آباد با مواضع استقلال طلبانه و پیشرو خود به پیروزی خط نه شرقی نه غربی کنفرانس کمک بسیار موثری نموده و سد محکمی در مقابل تاکتیک‌های توطئه آمیز طرفداران روسیه در کنفرانس ایجاد نمود. چنین سیاستی طبیعتاً نمیتواند به مذاق روسیه که در پی تدارک تجاوزات بعدی در این منطقه است، خوش آید.

اینکه تجاوز روسیه به ایران از مرز افغانستان صورت می پذیرد، باید همچنین بعنوان عکس العمل روسیه در برابر سیاست دفاع قاطع ایران از مجاهدین افغانی در کنفرانس اسلام آباد بطور اخص و پستیبانی جمهوری اسلامی ایران از مبارزه مردم افغانستان بطور اعم تلقی گردد. سوسیال فاشیست‌های روسی میخواهند بدین ترتیب به مردم ایران "حالی" کنند که اگر مردم ایران همچنان به دفاع از مبارزه برادران افغانی خود ادامه دهند بویژه اگر دفاع سیاسی از مجاهدین افغانی، جای خود را به دفاع عملی در زمینه مادی و نظامی بدهد، کشور ایران باید منتظر عکس العمل‌های تجاوزکارانه و قتل و کشتار مردم بیگناه باشد.

هدف از چنین تحریکاتی، از یکسو ارباب ایران و بازداشتن آن از ادامه سیاستی مبتنی بر اصل "نه آمریکا، نه روسیه" و از طرف دیگر زمینه چینی و ایجاد تدارک فکری برای تجاوزات آشکار و بزرگ بعدی است.

اینگونه قلدری‌های فاشیستی در منطق امپریالیستها چیز جدیدی نیست و انسان را بیاد سیاست امپریالیسم آمریکا که جنگ ویتنام را به کشور های مجاور یعنی لائوس و کامبوج بسط داد می‌اندازد. اینگونه زست‌های فاشیستی تنها چهره روسها و اعمال خیانتکار آنها را که مدعی هستند شوروی "متحد طبیعی" خلقها است، افشا میکند.

منطق ابرقدرتهای امپریالیستی همیشه و همه جا مبتنی بر زور و سلطه گرایی است و روسیه امپریالیستی نیز اکنون در مقابله با مشی استقلال طلبانه جمهوری اسلامی ایران از همین منطق استفاده میکند.

تجربه طولانی مبارزه مردم جهان علیه امپریالیسم، مکرر در مکرر نشان داده است که در برابر منطق فاشیستی دوا بر قدرت، هیچ سیاستی جز مبارزه قاطع و اتخاذ سیاست مشت در برابر مشت، کارگر نیست. انقلاب اسلامی ایران از طریق مبارزه آشتی ناپذیر و سرسختانه علیه ابرقدرت امپریالیستی آمریکا به پیروزی رسید و راه غلبه بر توطئه‌های ابرقدرت روس نیز جز این نخواهد بود.

جای تأسف است که علیرغم این تجارب گرانبها، بسیاری از مقامات ایرانی هنوز هم میکوشند در برابر خرس تجاوزگر شمالی سیاست مدارا جویانه‌ای در پیش گیرند:

این مقامات حضور دائمی بیش از ۱۲ لشکر زرهی و تهاجمی روسیه در امتداد مرزهای ایران را بی اهمیت جلوه میدهند.

آنان مانور عظیم این سپاهیان را که تمرینی برای تجاوز به ایران است بقیه در صفحه ۶

خبر مسئول

آقای موسوی گرمارودی مشاور مطبوعاتی ریاست جمهوری، بعد از ظهر سه شنبه در گفتگویی با روزنامه بامداد در مورد تجاوز هلیکوپترهای روسی - افغانی به حریم هوایی ایران توضیحاتی داد که برای بسیاری شگفت انگیز بود. ایشان در این گفتگو که ۱۱ ساعت پس از تجاوز هلیکوپترها انجام گرفته است اعلام میدارد که اولاً از ژاندارمری جمهوری اسلامی که بعلت استقرار در مرزها نخستین ارگانی هست که باید شاهد این حادثه باشد هنوز گزارشی نرسیده است و اخبار موجود در این زمینه تنها براساس گزارش شهرپای تایی است، ثانیاً اینگونه تجاوزات غیر عمدی، در صحنه مرزهای یحزان، بقیه در صفحه ۲

حق مسلم کارگران را بر سمیت بشناسید

« ماده ۳۳ » را لغو کنید

بعد از مدت‌ها تلاش، مبارزه، اعتراض و درخواست کارگران و تشکلات کارگری برای لغو فوری ماده ۳۳ که بموجب بی‌خانمانی و در بدری هزاران کارگر بعد از انقلاب شده و هنوز هم روزانه صدها بلکه هزارها کارگر به ضرب این جفاک به خیل بیگاران اضافه میشوند، اخیراً مقامات وزارت کار بجای پاسخ به این درخواست‌ها و توجه به نظرات کارگران با صدور بخشنامه محرمانه‌ای به کار فرمایان، پیشنهادات و نظرات آنها را در مورد ماده ۳۳ درخواست کرده اند. جالب است بگوئیم یکی از کارفرمایان با شنیدن این خبر معترضاً نه گفته است: "این کتاب قطور قانون کار برای ما این یکماده عزیز ۳۳ را داشت که آنرا هم میخواهند از ما بگیرند!!"

انقلاب عظیم اسلامی ما در مرحله بسیار حساسی از رشد و نداوم خود قرار دارد که باید از یک آزمایش تاریخی دیگری بگذرد، آزمایش مقاومت و پیروزی بردوا بر قدرت جهان

چاره همه‌آین رنجها و بدبختی‌ها مبارزه و مقاومت است. سیاهان که مژه تلخ بندگی و بردگی را از دوقرن پیش یعنی تا سس ایالات متحده آمریکا با گوشت و پوست خود حس کرده‌اند مصمم اند تا طوق این بندگی را از گردن خود بردارند و بر این همیشه چون سایر انسانها آزاد باشند و بعنوان انسان آزاد پذیرفته شوند. آنها با این واقعیت بی‌برده اند که حقیقت خود را تنها از طریق مبارزه باید گرفت و امروز، روز مبارزه است. جنبش اخیر سیاهان آمریکا یادآور قیام "واتسن" سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) است. خبرگزاریهای جهان

قانون جدید کار

در صفحه ۳

دشمن دست‌یک مبارز گسترده در یک گردهمایی برگزار کردند. بقیه در صفحه ۶

ایران باید بر تحریم المپیک پافشاری کند

۴۷ کشور بازبهای مسکو را تحریم کردند

روز یکشنبه ۴ خرداد آخرین مهلت برای اعلام شرکت تیم‌های المپیک کشورهای جهان در بازی‌های تابستانی المپیک ۱۹۸۰ مسکو میباشد جنبش بین‌المللی تحریم المپیک مسکو در انطباق با نیازمندی‌های تاریخی جهان کنونی ما یعنی ایجاد وسیعترین جبهه مقاومت و مبارزه جهانی بر علیه سلطه‌گری و جنگ افروزی سوسیال فاشیسم روس و در انعکاسی محقانه به اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش شوروی در ماه قبل شکل گرفت و در یک مبارزه سخت بر علیه دستگاه‌های تبلیغاتی رنگارنگ سوسیال امپریالیست‌ها و گرایش‌های مدارا جویانه و خوش‌باورانه قوام یافت. و در حالیکه هنوز چند روزی فرصت باقی است، با دربر گرفتن ۴۷ کشور ونیمی از جمعیت جهان در درون خود، به پیش می‌رود.

جنبش تحریم المپیک مسکو تاکنون موفق شده است که طیف وسیعی از کشورهای جهان سوم و جهان دوم را با پایگاه و دیدگاه‌های مختلف بمبارزه علیه تجاوزات شوروی بکشد و جبهه مقاومت را تشکیل دهد. امپریالیسم آمریکا نیز از موضع رقابت به این تحریم پیوسته است. در سه روز آینده با پیوستن کشورهای دیگری، این جبهه بیش از پیش تقویت خواهد

بقیه در صفحه ۲

از مدتها بتعویق آنداختن تصمیم گیری علیه ایران، تصمیم نیم بندی در "تحریم اقتصادی" ایران گرفت. این تصمیمات، همانطور که از طرف خبرگزاریها و رسانه‌های گروهی اعلام شده، اگر بطور کامل به اجرا درآید فقط شامل ۸ درصد معاملات ایران با جامعه اقتصادی اروپا خواهد شد. تازه بعد از این تصمیم گیری مجلس انگلستان که متحدترین بخش اروپا با آمریکا بحساب می‌آید، "طرح تحریم" را تصویب نکرد و خانم تاجر تقریباً "تحریم" را منتفی دانست. دولت آلمان متحد دیگر آمریکا نیز اشاره کرده که این تصمیمات بیشتر جنبه سیاسی دارند تا اقتصادی. در این حال حتی همین تصمیمات جلسه ناپل منوط به تصمیمات بعدی ایران است.

با این ترتیب اروپا نشان داد که در شرایط کنونی جهان میان ابر قدرت آمریکا از یک طرف و کشورهای جهان سوم چون ایران، از طرف دیگر سازداری موضعی بینا بینی است. بدین معنی که اروپا از یکطرف ناچار است بخاطر برخی منافع که با منافع امپریالیسم آمریکا پیوند دارد، با این ابر قدرت سلطه‌گر همراهی نشان دهد و از طرف دیگر با هم بخاطر منافع مستقل خود در روزافزون اهمیت و اعتبار جهان سوم باید روابط نسبتاً "خوبی با جهان سوم داشته باشد.

امکان جلب اروپا از همین موضع بینا بینی‌اش ناشی

بقیه در صفحه ۶

بررسی نظرات حجت الاسلام خوئینی‌ها در باره گروگانها

در صفحه ۲

ابتکار و خلاقیت در نمایشگاه آثار هنری معلولین

به ابتکار جامعه معلولین ایران نمایشگاهی از آثار هنری و تولیدی معلولین در تالار رودکی برگزار شد. در این نمایشگاه که بیش از ۲۰ مرکز معلولین که هر کدام بالغ بر صدها نفر هستند شرکت کرده بودند، تابلوهای نقاشی، کارهای دستی هنری و نمونه هایی از فعالیت های تولیدی چشم میخورد.

در محوطه نمایشگاه هنرمندان معلول با ارائه کارهای خلاق خود شگفت همه بازدیدکنندگان را برانگیخته بودند. اگرچه این معلولین قربانیان رژیم خائن شاه هستند اما کمبود یک عضو بدن آنها نه تنها باعث یأس و ناامیدی آنها نگشته است بلکه شور و شوق و ابتکار اینان را در شرکت برای گردش چرخ اجتماع هرچه فزون تر کرده است.

در گفتگوی خبرنگار "رنجبر" با مسئولین این نمایشگاه، آقایان رجیبی و تاجیک، انگیزه برپایی این نمایشگاه را "ارائه قدرت خلاقیت و سکوفایی"

۴۷ کشور ...
شده.
کشورهای دیگری نیز موجودند مانند پورتوریکو، که با آنکه المپیک مسکو را تحریم نموده و در آن شرکت خواهند نمود ولی عملاً با اتخاذ سیاست اعزام فقط یک تیم ورزشی به المپیک مسکو در خدمت جنبش تحریم قرار میگیرند.
جنبش بین المللی تحریم

لیست کشورهای تحریم کننده	پاراگوئه
فیجی	گینه جدید
کره جنوبی	تایلند
کنیا	تونس
کانادا	جیبوتی
گامبیا	چاد
لیختن اشتاین	چین
ماریتیوس	ژئیر
مصر	سنگاپور
مالزی	سومالی
مراکش	سودان
موناکو	سوازیلند
لیبریا	برمه
نروژ	بحرین
هاائیتی	بنگلادش
هنگ کنگ	پاکستان
هندوراس	

المپیک مسکو همچنین قادر شده تجاوزات فاشیستی شوروی را در

نه غربی بعد از پیروزی انقلاب میباشد. آنطور که گزارشات رسیده حاکیست هیئت نمایندگی ایران فعلاً در تمام زمینه های کارکنفرانس شرکت داشته و تاء شیربزازیی در روند کار و نحوه تصمیم گیری های کنفرانس در جهت یک سیاست مستقل داشته است. بطوریکه علیرغم تبلیغات روسیه و مزدوران و اخلاگریها از طرف نیروهای متمایل به شرقی، هیئت نمایندگان ایران با تکیه بر گرایش استقلال طلبی در درون کنفرانس توانسته در مجموع خط نه شرقی نه غربی را بر کارکنفرانس حاکم گرداند.

نگاهی به بحث های کنفرانس که توسط خبرگزاریها مخابره شده نشان میدهد که مسئله اقدام نظامی آمریکا علیه ایران و تجاوز نظامی روسیه با افغانستان و تجاوزات صهیونیست ها در مسائل مورد بحث در کنفرانس قرار گرفته است.

در این میان نکته قابل توجه اینست که با وجود شرکت بعضی کشورهای متمایل بغرب در کنفرانس، هیچگونه شواهدی که حاکی از اخلا آنستگان در زمینه موضع گیری علیه اقدام نظامی آمریکا باشد به چشم نمی خورد. حتی هیئت نمایندگان کشورهای نامند اردن نیز شددیدا "سیاست آرمیکارا در این زمینه محکوم کرده اند. اما در عوض همسه خیرها حاکی از اینست که در کار تنظیم قطعنامه محکوم نمودن روسیه بخاطر اشغال کشور اسلامی افغانستان اخلا زیاد دی صورت گرفته است.

آنها نمایندگان نمی کنند. در مورد بحران روابط ایران و آمریکا شرکت کنندگان در کنفرانس گذشته از محکوم نمودن صریح اقدام نظامی آمریکا وهم چنین تحریم اقتصادی ایران، بر سر راه حل های مسالمت آمیز تکیه کرده اند و ایران را در حلال سریع تر مسئله گروگانها ترغیب نموده اند. برخی دستگا ههای تبلیغی وابسته به روسیه، تکیه کشورهای اسلامی بر روی راههای صلح آمیز و ترغیب آنان به حل مسئله

کنفرانس کشورهای اسلامی

اسلامی درخواست نموده است، برای آنکه رژیم پوشالی افغانستان بتواند مسالمتش را تشریح کند، کشورهای اسلامی با یادی را بر رسمیت شناسند و با اجازه شرکت کنفرانس را بدهند بدون شک چنین موضع گیریها از طرف نماینده "ساف" بهیچوجه با احساسات خلق فلسطین که سرزمین شان با شغال صهیونیستهای غاصب در آمده تطابق ندارد و مردم فلسطین جنایات و ستمی را که روسها و رژیم پوشالی افغانستان بر مردم افغانستان روا داشته اند بخوبی درک میکنند. زیرا سرزمین خودشان نیز تحت اشغال است و این احساسات، آن چیز است که نماینده "ساف" در کنفرانس اسلامی

تبلیغات پیروی کرده اند در صورتیکه در شرایط حاضر که آمریکا به اقدام نظامی علیه ایران دست زده و ایران را بارها تهدید به تکرار عملیات نظامی نموده و در شرایطی که مردم ایران، رئیس جمهور، شورای انقلاب و تمام کسانی که ریگی در کفش شان نیست، خواستار حل فوری مسئله گروگانها از طریق تصمیم گیری مجلس شورای ملی هستند، تکیه بر راه حل صلح آمیز و فوری مسئله با منافع و خواست مردم ما تطابق دارد و دقیقاً "بضرر آمریکا است."

یکی دیگر از مهمترین مسائلی که در کنفرانس طرح شده تصمیم اخیریارلمان صهیونیستها مبنی بر الحاق نهائی بین المقدس به اسرائیل

تلاشهای کرملین برای تخریب پی نتیجه ماند

است که با واکنش شدید و جدی همه شرکت کنندگان روبرو شده است. سازمان آزادیبخش فلسطین طرحی در این زمینه ارائه داده که مورد توافق کنفرانس قرار گرفته است. با اینکه طرح هیئت نمایندگی ایران از استحکام و قاطعیت بیشتری برخوردار بود لیکن وزیر امور خارجه بخاطر احترام به استقلال جنبش فلسطین بمنظور عدم مداخله در امور میگردد، اگرچه مسئله همه کشورهای اسلامی باشد، نظر

تجاوزات دوا بر قدرت از سوئی و تا شید و پشتیبانی از مبارزات خلقهای افغانستان و فلسطین و ایران از سوی دیگر خواهد بود، با رد دیگر حرکت ضد امپریالیستی این گردهمایی بزرگ جهان سوم را به اثبات رساند. نتایج کار این کنفرانس مشت محکمی است بر دهان عوامل وابسته به روس و چپ نما های شارلاتان که به عبث کوشیدند تا به این حرکت بزرگ ضد امپریالیستی مهر "آمریکائی" بزنند. البته عمال روس از تحریکات تلویجن پراکنی های خود علیه جهان سوم دست برنخواهند داشت، لکن سگ عوعو میکند و کاروان براه خود ادامه میدهد.

سویال امپریالیسم شوروی نیز همچنان خواهد کوشید در میان صفوف جهان سوم شکاف اندازد و از این شکاف سگ زنجیری خود بپرکد و رمل را وارد دژ متحد کشورهای اسلامی کند. کنفرانس اسلامی عملاً نشان داد که تحریکات از کدام سوناشی میشد. لکن این تلاشهای عبث تفرقه حرکت ضد سیادت طلبانه جهان سوم و کشورهای اسلامی با شکست مواجه خواهد شد. ما ایمان داریم که ایران نقش با زهم مهمتری در آینده در این عرصه بزرگ نبرد ضد امپریالیستی ایفا خواهد کرد.

موضع وزیر امور خارجه در

مورد تجاوز روسیه بایران
خبرگزاری فرانسه - صادق قطب زاده وزیر امور خارجه ایران که رهبران مبارز افغانستان را بعنوان هیئت ایرانی به کنفرانس اسلامی برده است، دیشب ضمن سخنانی به دلیل ورود دوهلی کوبتر افغانی به اراضی ایران به شوروی حمله کرد. وزیر امور خارجه ایران گفت اگر شوروی با این حمله میخواهد موضع ایران را نسبت به مسئله افغانستان تغییر

کننده در المپیک نیز موجهی از اعتراض برانگیزد. اینکه بسیاری از کشورها بطور مشروط در این المپیک شرکت میکنند و حاضر نیستند در مراسم افتتاحیه سرود ملی کشورشان نواخته شود و یا پرچم ملی کشورشان باهتزاز درآید و در مقابل درزیر چتر پرچم بین المللی المپیک رژه خواهند رفت، گسترش بیشتر این جبهه را نشان میدهد.

جنبش تحریم المپیک مسکو همچنین توانست مسئله جنگ جهانی سوم و منشاء اصلی دامن زدن به این جنگ را بیشتر از سابق در یک سطح عمومی مطرح سازد و آمادگی بیشتری را در میان خلقهای جهان ایجاد نماید.

این پیروزی جنبش تحریم المپیک مسکو آسان بدست نیامد. از همان آغاز سوسیال امپریالیسم شوروی با دوسیاست مرتجعانه جنگ این جنبش برخاست و کلیه دستگاه ها، بنگاهها و عمال مستقیم و غیر مستقیم خود را بکار گرفت تا مگر این جنبش را در نطفه خفه سازد. مسکو در درجه اول تلاش نمود کشور های استقلال طلب و استوار بسر سیاست تحریم را در افکار عمومی جهان منفرد سازد. با استفاده از پیوستن امپریالیسم آمریکا به جرگه کشورهای تحریم کننده، که بر مبنای رقابت های جهانی این دوا بر قدرت انجام گرفته است، امپریالیسم روسیه از صندوقچه برهه های زنگ زده خود برجست "امریکایی" را بیرون کشید و سعی نمود با این سیاست مرتجعانه حقانیت مبارزه اصیل کشورها و خلق های جهان بر علیه تجاوزات فاشیستی شوروی را لو ت نماید و آن را "امریکایی" جلوه دهد. اما حقانیت این مبارزه، هشیاری خلقها و کشورها و یافشاری آنان بر ادامه مبارزه این سیاست را بار دیگر در هم شکست و نشان داد که در مقابل با تعرض شوروی و عمالش فقط و فقط سیاست مشت در مقابل مشت حاکم است و نه

سیاستی دیگر. امپریالیسم شوروی از طرف دیگر برای متزلزل ساختن و در نهایت جلب کمیته های المپیک کشورهای بینابینی به مسکو، همانند امپریالیستهای کهنه کار غربی و رژیم های نژاد پرست و فاشیست افریقا در مسابقات المپیک دفعات گذشته، سیاست "ورزش از سیاست جدا میباید" را بعاریه گرفت و تئوریسین های مسکو دنباله روانشان بظاهر "فراموش" کرده اند که بگویند مقوله "ورزش از سیاست جداست" خود نوعی سیاست است و این سیاست در خدمت تبلیغات امپریالیستی شوروی

مقاومت و رهائی بخش خلق افغانستان و جنبش ضد سلطه گری و ضد جنگ افروزی جهانی نیازمند پشتیبانان وسیعتری میباشد. با تحکیم این دستاورد خود را برای پیروزی در جبهه های نوینی آماده سازیم.

سومین تجاوز...

همگی روسی است. فرماندار تابیاد در گفتگوی تلفنی با خبرنگار بامداد تأیید کرده است که این هلیکوپترها که در ساعت ۹ و بیست دقیقه صبح خاک ایران را مورد تجاوز قرار داده اند، از کشور افغانستان به خاک ایران در منطقه چاه قلعه تابیاد به حریم فضایی ایران تجاوز کرده اند. اخبار حاکی از این است که هلی کویترهای متهاجم در اثر پاسخ متقابل ژاندارمری پاسگاه چاه قلعه به داخل خاک افغانستان عقب نشینی کرده اند. همچنین، تشییع جنازه قربانی این تجاوز نظامی (شخصی بنام عزیز از اهالی موسی آباد) عصر دیروز با حضور انبوه جمعیت و فرماندار منطقه تابیاد انجام پذیرفته است.

بدین ترتیب، تجاوز نظامی روسی به خاک میهن ما خاتمه پذیرفت لکن این تجاوز نه اولین آن بوده و نه آخرین آن خواهد بود. تا آنجا که ما اطلاع داریم و در شماره های پیشین "رنجیر" افشا کرده ایم، این سومین تجاوز هوایی نیروهای شوروی به خاک میهن ما در این مدت چند ماهه اخیر بوده که فاش نشده است: در تاریخ ۴ اسفند ماه ۱۳۵۸، هواپیماها و هلیکوپترهای روسی و افغانی سه بار به حریم هوایی ایران برفراز خط مرزی پاسگاههای تابیاد و خطائی تجاوز نمودند. این تجاوزات دوا بر توسط میگ های روسی و بار سوم بوسیله دو فروند هلیکوپتر صورت گرفت. این خبر در آن زمان با دو هفته تاخیر از سوی ژاندارمری جمهوری اسلامی و از طریق خبرگزاری پارس به اطلاع مردم رسید. روابط عمومی ستاد ژاندارمری علت تاخیر انتشار خبر تجاوز به مرزهای شرقی ایران را "تحقیقاتی" اعلام کرد که توسط مرزبانی جریان داشته.

پس از آن در هفته گذشته، در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹، خبرنگاران "رنجیر" از زاهدان، اطلاع دادند که حدود دوهفته قبل، چند فروند هلیکوپتر روسی و افغانی از مرز افغانستان گذشته، و از خاک ایران در ناحیه "طوس محمدخان"

صیب نه اضعاستان توانستند در کنفرانس ها ضرشوندو مسائل خود را مطرح کنند. از طرف دیگر نما بینده سا زمان آزادبخش فلسطین رسما "وعلنا" خواستار برسمیت شناختن رژیم ببرک کارمل شده و از کشورهای

(۵۵ کیلومتری شمال شرقی زابل) که یکی از نواحی اقامتگاه پناهندگان افغانی است شدند.

تجاوز دو فروند هلیکوپتر در روز ۳۰ اردیبهشت در منطقه تابیاد سومین اقدام نظامی شوروی علیه تمامیت ارضی ما در سه ماه اخیر است.

اگر تجاوزات قبلی روسها با سکوت طولانی مقامات دولتی مواجه شد، تجاوز اخیر نیز عکس العمل چندانی را از جانب این مقامات برنشانید. حزب ما همواره نسبت به این بی تفاوتی هشدار داده است.

پس از انتشار خبر ورود میگهای روسی به حریم هوایی ایران در تاریخ ۴ اسفند ۵۸، ما اعلام کردیم: روسها و مزدوران افغانی آنها به اولین "آزمایش" دولت ایران دست زده اند. قطعا چنانچه این تجاوز با عکس العمل ملایم و مدارا جویانه و یا سکوت مواجه شود، آنها قدمهای بعدی را که به مراتب وسیعتر و بیشرمانه تر خواهد بود بر خواهند داشت. (رنجیر ۱۲ اسفند، شماره ۲۸)

پس از دومین تجاوز هلیکوپترهای روسی به حریم هوایی ایران در اوایل اردیبهشت ماه، ما بار دیگر هشدار دادیم: مسلما اقدامات روسها به همین جا ختم نخواهد شد بلکه روسها نیز همچون امریکائیان دیر یا زود به فکر "مجازات" ایران که می خواهد به مبارزین افغانی کک کند خواهند افتاد. (رنجیر ۲۵ اردیبهشت، شماره ۵۲)

اکنون میبینیم که تمامی این هشدارها کاملا بجا و اصولی و منطبق با واقعیت بوده است. لکن از سوی دیگر، دولت همچنان به امر مقابلها خطر تجاوز شوروی کم بها میدهد. تصاعد اقدامات نظامی شوروی علیه ایران، زنگ خطری است که بما میگوید شوروی نیز مانند امریکا متجاوز است. نیروهای متجاوز کار دروایی محتاج به ناوگان خود که در دریای عمان در کنار ناوگان آمریکا امنیت کشور ما را تهدید میکند نیستند. آنها با اشغال نظامی افغانستان، از پایگاه سهل و ساد های درهمسایگی ما برای تجاوز وسیع نظامی زمینی و هوایی برخوردارند. تجاوزات متعدد هوایی شوروی و بخصوص اقدام اخیر، حلقه های

کروخا نها را بصرا ایران و دلیل وابستگی کنفرانس به آمریکا تشریح کرده اند. متاسفانه برخی مطبوعات ذا خلی نیز کسه معلوم نیست بجه دلیل کوشش دارندا کنفرانس کشورهای اسلامی را تخلئه نما بیند، از این

مقابله ای غیر...

قابل پیش بینی است و تالیاهلیکویترها در تعقیب رزمندگان افغانی بوده اند و تا حدودی بخاک ایران تجاوز کرده اند و فردی که کشته شده است به احتمال بنابه گزارش رسیده افغانی بوده است.

اولا معلوم نیست آقای مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور با طرح این مساله که از ژاندارمری یعنی نخستین ارگانی که باید شاهد این حادثه باشد هنوز گزارشی نرسیده است، چه می خواهد بگوید. آیا گزارش شهربانی برای ایشان سندیت ندارد؟ آیا ایشان از فرماندار شهر باخزر و گفتگوی ایشان با خبرگزاری پارس نیز بی اطلاع بوده اند و یا آنها نیز فاقد سندیت اند. در حالیکه آقای فرماندار باخزر در مصاحبه با خبرگزاری پارس میگوید "هلیکوپترهای روسی با گلوله کالیبر پنجاه بیش از یکبار تیر شلیک میکنند که تعدادی از آنها به خانه های کارگری اصابت کرده است... و در منطقه دیگری که دویست متر با این محل فاصله دارد نیز تیراندازی شدید با کالیبر پنجاه صورت گرفته و حدود دو هزار تیر شلیک میشود که بوکه های آن موجود است، آقای گرامرودی بعلت نرسیدن گزارش ژاندارمری با ابهام و تردید سخن میگوید.

معلوم نیست آقای گرامرودی که به گزارشهای رسیده (بعلت اینکه از شهربانی و فرمانداری بوده و هنوز از ژاندارمری گزارش نرسیده) این چنین محتاطانه برخورد میکند، چگونه در مورد این خبر که فرد کشته

هستند از رنجیر سیاست توسعه طلبی و تجاوزگری شوروی در منطقه، زنجیری که به افغانستان ختم نمیشود بلکه حلقه اصلی آن ایران است. اکنون زمان آنست که کسانی که هنوز نسبت به مقاصد شوم این ابر قدرت به خود توهم راه میدهند از خواب بیدار شوند و همراه توده ها و همراه عناصر فعال استقلال طلب مبارزهای جدی را نه تنها علیه ابر قدرت امریکا بلکه همچنین علیه ابر قدرت روس سازمان دهند.

ایران صرصرو و رصرح سب پشتیبانی کرده است. ادا مه موفقیت آمیز کار کنفرانس اسلامی و سرانجام پیروزمندان، صرف نظر از اختلافات درونی کنفرانس، بدون تردید افساء و محکومیت

شده در خاک ایران احتمالا افغانی است تا مل و تردید را لازم نمیداند. زمانی که آقای گرامرودی احتمال افغانی بودن فرد کشته شده را عملا برای انحراف از اصل مساله تجاوز به میان میکشد، نه تنها هویت قربانی این تجاوز که "موسی آباد" است روشن می باشد، بلکه طبق گزارش روزنامه ها مراسم تشییع جنازه او نیز با شرکت فرماندار باخزر، مقامات محلی، پرسنل شهربانی، ارتش، سپاه پاسداران و صد هانفر از اهالی تابیاد انجام شده است و جالب اینکه روزنامه بامداد گزارش میدهد که "یک مقام آگاه در ستاد ژاندارمری کل کشور، نیز (که آقای گرامرودی منتظر گزارش آنهاست) در گفتگوی باخزر دو هلیکوپتر را تقریبا بهمان ترتیبی که فرماندار باخزر اعلام کرده است تأیید مینماید حال معلوم نیست اینگونه اعلام موضع آقای گرامرودی را باید حمل بر اختلال در دستگاهها، مسئولینها و روابط ارگانهای دولتی کرد و یا برخورد غیر جدی و محافظه کارانه ایشان در چنین امر خطیری.

متاسفانه بقیه گفتار ایشان حاکی از احتمال دوم وحتى حاکی از یک برخورد بیگانه نادرست و غیر مسئول است، آقای گرامرودی اضافه میکند: "اینگونه تجاوزات غیر عمدی در صحنه های مرزی بحرانی قابل پیش بینی است و هلیکوپترها در تعقیب رزمندگان افغانی بوده اند" در اینجا سخنان آقای گرامرودی بیشتر به توجیحات نماینده دولت متجاوز شباهت دارد تا به اعتراض نماینده کشوری که مناطق مرزی اش مورد تجاوز یک همسایه متجاوز و جنگ افروز قرار گرفته و شلیک راکت های آن یک نفر را نیز قربانی کرده است. معلوم نیست چرا وبه چه دلیل آقای گرامرودی حتی قبل از توضیح دولت متجاوز از "غیر عمدی" بودن این تجاوز سخن میگوید؟ چرا این تجاوز نمیتواند حلقه ای از برنامه های تهدید، تحریک و تجاوز ابر قدرت شوروی و رژیم دست نشانده آن در افغانستان باشد؟ چرا این تجاوز نمیتواند پاسخی به کنفرانس اسلام آباد باشد که با شرکت فعال

صادق قطب زاده آنگاه هشا ر دادا که حمله اخیر شوروی بجای اینکه تغییری در سیاست ما بدهد تصمیم مان را سخت تر کرده است.

هیئت نمایندگی ایران مشت محکم بر متجاوزین روسی کوبیده است؟ چرا این تجاوز نمیتواند پاسخی به موضع گیری های صریح دولت و ملت ایران نسبت به عملکرد و ماهیت امپریالیستی ابر قدرت شوروی باشد؟ و بالاخره چرا نمیتواند اقدامی باشد در ارتباط با مجموعه مسائل بالا؟

آقای گرامرودی! آیا شما در برابر خبر تجاوز نیروی هوایی بیگانگان به "مرزهای بحرانی" جنوب و غرب کشور نیز بهمین گونه واکنش نشان میدهید و اگر نه به چه دلیل؟

آیا "صحنه های مرزی" آنجا "بحرانی" نیست، آیا آن کشورهای همسایه بیش از همسایه شمالی ما با ما دشمنی دارند؟ آیا خطری که ایران را تهدید میکند تنها از جانب آن مرزهاست؟

آقای گرامرودی: در شرایط کنونی جهان که ابر قدرت شوروی در رقابت با امپریالیسم آمریکا و در تلاش تب آلود برای سلطه بر جهان نقشه تعرضی وسیعی را در مقیاس جهانی آغاز کرده است، در شرایطی که اشغال نظامی افغانستان حاکمیت ملی کشورهای منطقه، بویژه پاکستان و ایران را بطور جدی تهدید میکند، در شرایطی که کشور ما در معرض نوظف و تهدید دوا بر قدرت آمریکا و شوروی قرار دارد، در چنین شرایطی بیش از هر چیز به هشیاری آمادگی و واکنش قاطع در برابر تهدیدها و مخاطرات نیازمندیم. بجای کوشش در توجیه تجاوز شوروی باید مردم را به ماهیت تجاوزی این ابر قدرت امپریالیستی به برنامه ها و مقاصد تجاوز کارانه آن آگاه ساخت، باید توده های مردم را نسبت به این تجاوزات و در برابر احتمال تجاوزهای بعدی بیدار و آماده ساخت و با قاطعیت تمام تصور حمله به خاک میهن را از ذهن هر متجاوزی زدود و هرگونه اقدامی در این زمینه را در نطفه خفه کرد.



قانون جدید کار (۱)

حق کار، حداقل سن کار، طبقه بندی مشاغل، مدت کار اضافه کاری، شرایط کار زنان کارگر، حداقل دستمزد و... در قانون جدید کار چگونه باید باشد؟

در حال حاضر یک "کمیته عالی" مرکب از تعدادی از وزرا و کارشناسان، در وزارت کار سرگرم تهیه قانون کار جدید میباشند تا پس از خاتمه بررسیها برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم شود.

کمیته پیش از ۱۴ ماه که از پیروزی انقلاب میگذرد، همیشه کارگران زحمتکش و رزمنده میهن ما خواستار شرکت نمایندگان واقعی خود در تدوین قانون جدید کار شده اند. تهیه و تدوین قانون جدید کار در اطاقهای در بسته و بدون شرکت دادن نمایندگان کارگران، توهین به کارگران قهرمان و اهمیت ندادن به نقش عظیم این طبقه تاریخساز میهن ماست که در پیروزی انقلاب دارای قاطع ترین نقش بوده و امر تدوین انقلاب هم در درجه اول بر دوش آنان قرار دارد.

"رنجبر" تا به امروز، بارها نظرات خود را در مورد چگونگی تدوین قانون جدید کار و موارد مشخصی این قانون، اعلام نموده است. اینک بار دیگر با جمع بندی مجدد از این نظرات برای تدوین قانون جدید کار، هرگونه حرکتی برای ممانعت از شرکت کارگران در تهیه این قانون را محکوم کرده و اعلام میکنیم که چنین قانون کاری از نظر طبقه کارگر بی اعتبار خواهد بود. ما گوش خواهیم کرد تا موارد مشخصی از پیشنهادات خود را برای تدوین قانون جدید کار، طی چند شماره بیان نماییم.

حق کار

بین کارگران دانشی و فنی، کارگران کارخانه های بزرگ و کارگاههای کوچک، کارگران صنعتی و کارگران کشاورزی و... در مورد شمول قانون کار با یکدیگر تفاوتی وجود دارد. این تفاوتها را در کشور بیلا استثنا شامل بشود.

حق کار به عنوان یک حقوق برای کارگران به رسمیت شناخته شده و در قانون کار گنجانده شده است. دولت باید موظف به تامین کار برای کارگران باشد و در غیر این صورت به کارگران بیگار، بیمه بیکاری بیکاری داده شود. بیمه بیکاری به عنوان یک حق برای کارگران باید به رسمیت شناخته شود.

طبقه بندی مشاغل

در طبقه بندی مشاغل، عواملی نظیر "سختی کار"، "سنوات خدمت" و "تخصص" باید بیشتر از امتیاز راداشته باشد و به عواملی نظیر

حداقل سن کار

حداقل سن کار گرنیاید کمتر از ۱۶ سال باشد. حداقل سن کارآموز نیز نباید از ۱۲ سال کمتر باشد. حق نظارت نمایندگان تشکیلات کارگری بر ادارات موسسات کارآموزی باید در قانون کار منظور شود. برای کارفرمایان که از این اصل تخلف کنند باید در قانون کار مجازاتهای سنگین در نظر گرفت.

رفع تبعیض

تعیین تخصص و درجه مهارت نباید به اختیار کارفرما باشد بلکه باید توسط صندوق کارآموزی و تحت نظارت تشکیلات کارگری

هرگونه تبعیض و تمایزی

باید به نفع طبقه کارگر

و با شرکت نمایندگان کارگران

تدوین شود

تعیین شود.

مدت کار

ساعات در هفته با آرزو تعطیلی باید در قانون کار ربه رسمیت شناخته شود. این تعداد ساعات کار، فرصت کافی برای استراحت و فعالیت های دیگر اجتماعی به کارگران میدهد. علاوه بر آن ساعات کار در روز باید به رسمیت شناخته شود و در رشته های که بیشتر از ۸ ساعت کار در روز باید انجام شود مثل کارکشاورزی، برای ساعات کار با اضافه بر ۸ ساعت کار

باید مزیای کامل اضافه کاری پرداخت شود.

در صنایع سنگین و کارهای سخت، ساعات کار روزانه باید متناسب با این کارها و کمتر باشد. مثلا در رشته های تولید سیدوسم و کار با کوره های داغ و موادی از قبیل سرب و... که کارگران زودتر از رشته های عادی دچار فرسودگی میشوند، ساعات کار رفته نباید از حداکثر ۳ ساعت تجاوز کند و باید حقوق و مزیای ۸۰٪ اضافه پرداخت شود. اوقات استراحت و غذا جزو ساعات کار است و نباید از آن کم شود.

شیکاری

شیکاری دائمی با یکسدر قانون کار اساسا ممنوع اعلام شود. شیکاری نوبتی هم باید با توافق کارگران برقرار شود و برای ساعات شیکاری نوبتی باید ۵۰ درصد بیشتر از دستمزد روزانه پرداخت شود. همچنین ۱۰ درصد حق نوبتکاری هم باید علاوه بر آن

پرداخت گردد.

اضافه کاری

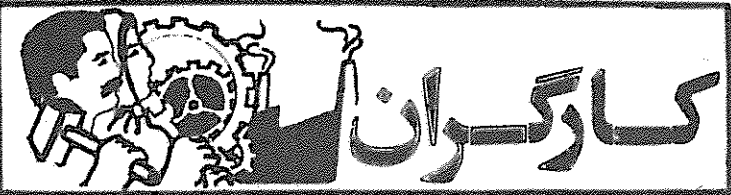
اضافه کاری باید با یکسدا و طلبانه باشد و کارفرما به هیچ وجه مجاز نیست کاری را به اضافه کاری نیاورد. کارفرما باید بیشتر از ۲ ساعت در روز با شویبه ساعت اضافه کاری باید ۵۰ درصد بیشتر از دستمزد عادی تعلق بگیرد.

شرایط کار زنان کارگر

شک کاری و کارهای سخت باید در مورد زنان ممنوع اعلام شود، به استثنای شیکاری در بیمارستانها. کار عصر برای زنان کارگر باید با طلبانه باشد و نباید زنان را به عصر کاری مجبور کرد. حقوق مساوی برای زنان در مقابل کار مساوی با مردان باید در قانون کار به رسمیت شناخته شود و مقرراتی برای جلوگیری از اجازات کارفرمایان و مدیران به زنان در این مورد وضع شود و تعیین مجازات متناسب در صورت تخلف آنها موظف به پرداخت خسست حقوق مساوی بشوند. زنان بار دار باید حداقل از سه ماه مرخصی با دریافت حقوق و مزیای کامل برخوردار باشند. زمان استفاده از این مرخصی هم باید با توافق زنان باردار روتا شیکاری باشد. کلیه هزینه های زایمان و بیمارستان هم باید به عهده بیمه باشد. پس از زایمان هم، زنان میبایست از وقت کافی برای شیر دادن و تغذیه نوزادان خود در

مراجعه يك كارگر به دفتر رنجبر

نامه يك دانش آموز مازندرانی دولت محصولات کشاورزی



طول روز برخوردار باشند و این مدت جزء ساعات کار آنها حساب شود. تنظیم این وقت در طول روز و استفاده از آن باید با توافق خود زنان باشد. باید از اطفال زنان کارگر تا سن ۱۲ سالگی نگهداری شود. یعنی در هر کارگاه که حداقل ۱۰ کارگر زن کار میکنند کارفرما موظف به ایجاد مهد کودک برای نگهداری اطفال زنان کارگر باشد و کارفرما در صورت تخلف باید مجازات شود. در کارگاههایی که کمتر از ۱۰ نفر کارگر زن کار میکنند، دولت باید با ایجاد مهد کودک در محلات کارگری به تعداد لازم از اطفال زنان کارگر نگهداری کند. کلیه مقررات مربوط به شرایط کار زنان باید در صورتی که قانون کار گنجانده شود.

حداقل دستمزد

حداقل دستمزد باید هزینه زندگی یک خانواده ۵ نفری کارگری را تامین کند. پایه تعیین حداقل دستمزد باید با احتیاجات یک زندگی متوسط باشد. یک زندگی بخور و نمیر! بررسی قیمت اجناس برای تعیین حداقل دستمزد باید در مناطق متوسط شهری صورت بگیرد نه اینکه فقیرنشین ترین منطقه شهر را انتخاب کنند.

در مورد خانوادهاى بیشتر از ۵ نفر، دولت باید موظف به پرداخت حق اولاد تا میزان احتیاجات لازم آنها باشد. تعیین حداقل دستمزد باید با در نظر گرفتن نرخ تورم باشد و با گران شدن اجناس، دستمزد هم باید لابروند.

تعیین حداقل دستمزد باید با شرکت تشکیلات کارگران باشد با این شکل که در سطح واحدها با شرکت نمایندگان سندیکا یا شورا

در سطح یک رشته تولیدی یا خدمات از طریق شرکت نمایندگان اتحادیه آن رشته و در سطح کل کشور از طریق شرکت نمایندگان تشکیلات سراسری کارگران انجام شود.

لغو سیستم کارمزدی

سیستم کارمزدی که یکی از راههای وحشیانه استثمار کارگران است باید بیدارنگ و بکلی لغو و در قانون جدید کار ممنوع اعلام شود و مجازاتهای شدید برای کارفرمایانی که اصرار به حفظ این سیستم بهره شی وحشیانه دارند در نظر گرفته شود. سیستم پرداخت مزد در برابر مدت کار، باید به عنوان تنها سیستم کارمزدی در قانون کار گنجانده شود. این موضوع باید در قانون کار صریحا ذکر شود.

سود ویژه

سود ویژه قسمتی از دستمزد کارگران است و به عنوان پاداش است که کارگران را در کار خود راجد و در نظر گرفته شود. بدیهی است که سود ویژه با توجه به ماهیت فریبکاری آن باید لغو شود و مقدار واقعی آن به دستمزد اضافه شود تا کارگر مجبور نباشد برای درآمد بیشتر اضافه کاری بکند و قسمتی از مزد واقعی خود را به نام "سود ویژه" بگیرد. ادامه دارد

نیروی عظیم کار زحمتکشان روستائی

اصفهان

خانه

مشکل اساسی در کشاورزی اخلال انقلابی نمائی و نبودن برنامه درست است

نامه ای که در زیر میخوانید، یکی از خوانندگان «رنجبر» در باره چگونگی استفاده از آبهای مناطق روستایی آذربایجان نوشته است.

بعد از پیروزی انقلاب، ما به یک استقلال سیاسی دست یافته ایم. برای پایدار نمودن این استقلال دست یافتن به استقلال اقتصادی اساسی است. سیاست درست رسیدن به این استقلال اقتصادی، تکیه به نیروی لایزال توده ی مردم و شکوفا نمودن ابتکارات و استعداد های آنها و استفاده صحیح از کارخانجات و وسایل تولیدی باقی مانده از رژیم وابسته پیشین است. البته در این راه سیاست خارجی انقلابی نیز لازم است و آنهم نزدیکی با کشورهای مستضعف جهان سوم و استفاده از امکانات و تکنیک کشورهای سرمایه داری کوچک (بدون وابستگی به آنها) میباشد.

متأسفانه پس از ۱۵ ماه هنوز در سطوح صنعت و کشاورزی قدمهای اساسی برداشته نشده است و حتی هنوز برنامه های هم در این راه تدوین نشده است. اگر چه بعد از انقلاب یک سری نهادهای انقلابی بوجود آمد ولی بعلمت سیاستهای نادرست و انحصار طلبانه و انقلابیگری های دروغین این نهادها نتوانستند از سطح کارهای تسکین دهنده و جزئی پارافراتر بگذرانند. مثلا جهاد سازندگی که اساسا جهت بازسازی روستاها و کشاورزی میباشد بجای اینکه رشد کشاورزی را اساس کار خود قرار دهد و گامی در راه استقلال اقتصادی کشور بر دارد، عملا به علت انحصار طلبیها و انقلابی نمائیها و عدم لیاقت فنی برخی از مسئولین به یک موسسه هم کاره و عملا هیچ کاره و تسکین دهنده تبدیل شده است. مثلا با اینکه وام کلانی در اختیار دارد تا بصورت کنترل شده در جهت تولید کشاورزی و افزایش آن بکار بندد اما بعلمت انقلابی نمائیها (تحت عنوان اینکه طرفدار مستضعف هستند نه مستکبر) هنوز اجازه نداده اند به زمین داران متوسط و کوچک وام داده شود تا تولید بالا

رود و محلی برای جذب بیکاران بوجود آید. حتی در بعضی جاها بعلمت باصطلاح خیلی انقلابی بودن مسئولین این وام در اختیار افراد بی زمین قرار گرفته که آنهم در عرض چند روز صرف خارج زندگی آنها شده است.

در زمینه آب زراعی که یکی از مهمترین مسائل کشاورزی است، کار جهاد محدود شده به حفر چند قنات و چند چاه عمیق انگشت شمار. اصلا جاهای عمیق به خاطر اینکه تولید دستگاههای حفاری، لوله سازی، پمپ ها ویدیکی آنها احتیاج زیادی به صنعت کشورهای امپریالیستی دارد دارای مخارج بسیار بالاست که شمای از آن چنین است:

- ۱- هر ۱۰۰ متر ۵۰۰۰۰۰ تومان
- ۲- لوله کشی ۱۰۰۰۰۰ تومان
- ۳- پمپاژ برای لوله کش ۱ کیلومتر ۳۰۰۰۰۰ تومان

امکان پیروزی ۵٪
متوسط آبدهی ۲۰ لیتر در ثانیه
زمین زیر کشت ۲۰ هکتار

باین ترتیب با خرج یک میلیون تومان ۲۰ هکتار زمین آبیاری میشود. در حالیکه سدهای خاکی و مهار کردن آبهای که به هدر میروند دارای مخارج نسبی کمتری میباشد و میتواند زمینهای زیادی را زیر کشت ببرد مثلا در آذربایجان رودخانه های کوچکی با مقدار آب زیر وجود دارند:

سهند جای ۱/۴۴ متر مکعب در ثانیه
آجی جای ۱۴/۵۵ متر مکعب در ثانیه
دریان جای ۲/۹ متر مکعب در ثانیه

باحتی میتوان یک متر مکعب از دریان جای را با مخارج ۳ میلیون تومان باسد مخزنی و کانال انحرافی مهار نمود و ۱۰۰۰۰ هکتار زمین را آبیاری کرد. این سدهای خاکی احتیاجی نیز به صنایع امپریالیستی ندارند.

بدون شک چنین سیاستهای انحصار طلبانه و انقلابی نمایانه در سایر ادارات بیشتر از جهاد میباشد و در سطوح حاکمین نیز بیشتر است.

را از ما ارزان می خرد

جوان دانش آموزی از یکی از روستاهای مازندران برای رنجبر نامه نوشته و در مورد وضع کشاورزان محل زندگی خود مطالبی نوشته است. ما در زیر ضمن چاپ این نامه از همه جوانان روستایی دیگر میخواهیم تا با گزارشاتی از اوضاع محل کار و زندگی خود، زحماتشان دیگر نواحی ایران را در جریان قرار دهند.

سلام بر زحمتکشان ایران و سلام بر دوستان رنجبر
من دانش آموز دوم راهنمایی هستم و در یکی از روستاهای مازندران درس میخوانم. هر چند که من هنوز درد کشاورزان و کارگران را خوب احساس نمیکنم ولی تحقیقی از یکی از کشاورزان که برادرم باشد کردم. وظیفهام حکم کرد که به شما نامه ای بنویسم و از درد و رنج زحمتکشان محروم که در همه جای دنیا در سختی و بیچارگی زندگی میکنند باخبر کنم. خواهش میکنم اگر این نامه بدست شما رسید آن را چاپ کنید.

از این کشاورز پرسیدم که "کمبود کشاورزی شما چیست؟" او در جواب میگفت "ما کود میخواهیم که نیست و اگر هم باشد اینقدر باید اعتراض کنیم تا کسی که کود میآورد به ما بدهد. دیگر اینکه دولت محصولات کشاورزی را از ما ارزان میخرد." وسایل کشاورزی از قبیل تراکتور و غیره در اختیار آنها نیست، این عین واقعیت است که به شما میگویم. اگر دولت وام کشاورزی بدهد از همان بالاها میخورند و به کشاورزان نمیدهند.

یکبار هم با کارگری صحبت میکردم از او پرسیدم "شما با چه وضعی در کارخانه کار میکنید، جواب داد که من در دخانیات کار میکنم. مدیر کارخانه هنوز محصول تمام نشده کارخانه را تعطیل میکند و ما را بیکار میکند. به مسئولین دولت اعتراض کردیم ولی نفهمیدیم چطور مدیر کارخانه برفع خود کارها را تغییر داد.

خداحافظ، به امید آنکه این مشکلات حل شده باشد.
مشتکرم، دوستدار شما یک دانش آموز

و این ضربه مهلکی به انقلاب وارد میسازد. عدم توانایی حل معضلات کشور، انحصار طلبیها و... زمینه مناسبی برای توطئه ابرقدرتهای شرق و غرب و عوامل ریز و درشت آنان ایجاد کرده است. سیاست درست در این راه میتواند کشور ما را به استقلال واقعی برساند.

توضیح آنکه چون جاهای عمیق دریا ئین ترین نقطه روستاها زده میشود لوله کشی و پمپاژ ضروری است.

برای خانه از اینجا رانده و از آنجا مانده شده ام

روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت یکی از کارگران زحمتکش شرکت مسافربری ایران پیمای بدفتر رنجبر مراجعه کرده و درباره مشکل مسکن خود واز بی توجهی مسئولین کمیته شورای گود نشینان، شکایت میکرد.

این کارگر که آقای جعفر عبدی نام دارد در گفتگوی خود با "رنجبر" گفت:
فن مدت ۲۷ سال است که در شرکت ایران پیمای کار میکنم. من یک کارگر شیکار هستم، یعنی از ساعت ۷ بعد از ظهر تا ۷ صبح در محل کارم میباشم. من در یک خانه ۹۰ متری که با سه نفر دیگر شریک هستم با تفاق ۱۸ کیلومتری بروج (با فاصله ۱/۵ ساعت در جنوب غربی اصفهان) میباشند. روستای آنها فاقد آب آشامیدنی است و برای تهیه آب مجبورند ۱/۵ کیلومتر به خارج از روستا بروند. این ده از حمام بهداشتی- مدرسه محروم است. با اینکه از نزدیکی روستا رودخانه "منز" میگذرد دلیل عدم برخورداری از وسایل انتقال آب، کشاورزی دیم صورت میگیرد. زمین این ناحیه بسیار حاصلخیز است چنانکه سالی دوبار (بهار و آخر تابستان) محصول گندم وجود میدهد ولی، اهالی مجبورند برای کار به

روزی ۲۵ اردیبهشت ماه جلسه عمومی سندیکای کارگران خباز شیراز برگزار شد. طی این جلسه موفقیت های این سندیکادر بر آوردن چند خواست کارگران بدین ترتیب گزارش شده است:

- ۱- افزایش دستمزد کارگران به تفاوت از ۲۵۰ تا ۴۷۵ ریال.
 - ۲- گرفتن حق بازنشستگی برای تعدادی از کارگران
 - ۳- گرفتن بیمه برای ۷۰-۸۰ نفر از کارگران بیکار.
 - ۴- مذاکره با فرماندار درباره مسئله کارخانه نان ماشینی
- در این جلسه یکی از کارگران و تکلیف ما را روشن کنند.

در شهرها بهدر می رود

شهرها بیابند و در شهر نیز بقول خودشان "گارشانی پیدا میشود." زحمتکشان شهر وده (چه بیکار و چه شاغل) نیروی اصلی در واژگون ساختن طاغوت بودند و اکنون نیز ستون انقلابند. مبارزه موثر و اصلی را با امپریالیسم آنها به پیش میبرند. پس جنبه اصلی تداوم انقلاب ضد امپریالیستی توجه به احتیاجات آنها و برآورده ساختن آن است. زیرا که در مبارزه فعلی یا باید به توده ها تکیه کرد و یا در مقابل آنها قرار گرفت. در حال حاضر توده های زحمتکش شهر و روستا از بسیاری امکانات اولیه محرومند. از تامین شغلی تا بیمه های درمانی و مسکن در شهرها گرفته تا محرومیت از زمین وسایل کشاورزی و سایر وسایل رفاهی در روستاها و بنظر میرسد که بسیاری از مسئولین دولتی سهم زحمتکشان را (که بیش از همه مبارزه کرده اند) از این انقلاب فقط شعار راه پیمایی و دعوت آنها به داشتن صبر انقلابی میدانند!؟
در این شرایط زحمتکشان دریافته اند که بدون مبارزه متشکل و با برنامه این مسائل حل ناشدنی است. در روستاها اتحادیه های دهقانی و وظیفه مبارزه برای حل هر چه سریعتر مساله زمین و وسایل کشاورزی و نیز بر آوردن احتیاجات رفاهی را دارد. در واقع در صورتی که امکانات فعالیت در روستاها فراهم باشد اهالی ترجیح میدهند در خانه و موطن خود به کار پردازند تا اینکه آواره شهرها شوند.

موفقیت های سندیکای کارگران خباز شیراز

مطرح کرد که طرح سهیم شدن کارگران در کارخانه نان ماشینی غیر عملی بوده و پیشنهاد کرد ترتیبی برای تامین شغل کارگران در صورت ماشینی شدن و تولید نان داده شود.
در همین جلسه همچنین عوامل منفی در راه رشد این سندیکا چنین بیان شد:
۱- سمپاشی عده ای رشوه خوار در باره سندیکا که در دوره طاغوت هیئت مدیره سندیکا بودند و اکنون منافع خود را از دست داده اند.
۲- دلالتها که با گرفتن حق حساب امکانات شغلی را بطور غیر عادلانه بین کارگران تقسیم میکنند.

خوئینی ها نماینده خوب مشی انقلابیگری

گروگانها وسیله ای برای قدرت طلبی گروهی



در اینجا چهارمین قسمت نامه در باره نقد نظرات حجت الاسلام خوئینی ها را چاپ میکنیم. همانطور که قبلا نوشتیم این نامه پاسخی است به نظراتی که حجت الاسلام خوئینی ها در مصاحبه ای با روزنامه صبح آزادگان اظهار کرده است.

موضوع این قسمت نامه در باره قضیه گروگانهاست.

در مورد نکته سوم اینکه گروگانها "گروگان ملت هستند" آقای خوئینی ها بدان علت مسئلهی گروگانها را مهم برای مجلس نمیدانند که آنها "گروگان ملت" هستند. جمله ای ساده و بی معنی. ببینید ایشان چگونه مهم نبودن مسئلهی گروگانها را برای مجلس توجیه میکنند: "مسئلهی گروگانها... بنظر من مسئله مهمی برای مجلس نیست زیرا آنها گروگان ملت هستند". مثل اینکه هر چیزی که در دست ملت یا تعلق بملت داشت نباید برای مجلس مهم باشد. با چنین منطقی مجلس راجع به نفت هم نباید حرفی بزند چون نفت ملت است. آخر این چه منطقی است؟! ملت مگر از مجلس جداست، مگر همین ملت به نمایندگان خود

۳- آقای خوئینی ها در پاسخ به سؤال زیر: "مسئلهی گروگانها بعنوان اولین و مهمترین دستور کار مجلس شورای اسلامی قرارداد. با توجه به بازگرداندن شاه مخلوع و محاکمات های که فوری ترین خواست ملت ایرانی است امام امت میباید مجلس در این مورد چگونه باید عمل کند؟" چنین جواب میدهد: "مسئله گروگانهای جاسوس بعکس آنچه تصور میشود بظن من مسئله مهمی برای مجلس نیست زیرا اینها گروگان ملت هستند تا زمانی که محمدرضا خائن و اوبالی که به یغما برده است توسط آمریکا به ایران برگردد که در آن صورت با یک درجه تخفیف آزار، و از کشور هم اخراج میشوند... از آنجاکه آقای خوئینی ها نقش برجستهای در هدایت کار گروگانها

آیا منظور آقای خوئینی ها این نیست که صلاحیت خود ایشان بالاتر از مجلس است؟

رای نداده که بمجلس بروند و در مسائل و امور ملت به قضاوت بنشینند، قوانین وضع نمایند، نخست وزیر معین کنند والا آخر حالا چطور شد مسئلهی گروگانها نمیتواند در دستور مجلس قرار گیرد. علاوه براینکه امام خینی هم از ماهها پیش چنین موضوعی را در دستور کار مجلس قرار داده است. اصلا گروگانها، گروگان ملت هستند یعنی چه؟ آقای خوئینی ها میخواهند این مهری برنده را که ماههاست در دست دارند، همچنان در دست داشته باشند. چطور برای ایشان مسئلهی گروگانها مسئله حیاتی است ولی مجلس نباید کمی وقت بر سر آن

داشته است بالاچار کمی بیشتر روی این موضوع مکت میکنیم: سه نکته در جواب آقای خوئینی ها برجسته و جالب است. اول اینکه گروگانها را همگی "جاسوس" میدانند. دوم اینکه امر مهمی برای مجلس نیست. سوم اینکه آنها گروگان ملت هستند! در هر سه نکته آقای خوئینی ها به نفي حقایق میپردازد. حقیقت چیست؟ در مورد نکته اول حقیقت این است که همگی گروگانها جاسوس نیستند. این مسئله را خود دانشجویان مستقر در سفارتخانهی آمریکا چنین عنوان کرده اند که در میان آنها جاسوسانی هم موجودند.

پرچم دروغین هواداران «پیکار» در دفاع از خلق افغانستان

نقدی بر نوشته دانشجویان و دانش آموزان هوادار «پیکار» در باره افغانستان

در خدمت عرب میگیرد و این انحراف و فراموش کردن خطروسیه در ایران از شعار تکراری "پیکار" که در زیر آرگانش می آید "آمریکا دشمن اصلی خلق ایران" ریشه میگیرد. "پیکار" هوادارانش تجاوز روسیه به افغانستان را عملی امپریالیستی میدانند این درست ولی نتیجه ای که میگیرد و در عمل "پیکار" هوادارانش انعکاس می یابد این است که: با جدا کردن مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران از مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای افغانستان و بایک درک نادرست از جنبه واحد ضد امپریالیستی و ضد سلطه طلبی خلقها و ردا نترناسیو نالیسم پرولتری در عمل باز شعار "آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران" را میدهد. غافل از اینکه دشمن خلقهای افغانستان، دشمن خلق ایران نیز هست. غافل از این که در صحنه مبارزه ضد امپریالیستی دوستان یعنی خلقها در یک زدیف و دشمنان عمده یعنی امپریالیسم به ویژه آمریکا و شوروی در یک ردیف دیگر قرار میگیرد. و تکرار این شعار اولاً خطر امپریالیسم روس را در ایران بدست فراموشی می سپارد، ثانیاً به جنبه واحد ضد امپریالیستی خلقها ضربه میزند و بنا بر این تنها شعار درست "آمریکا و شوروی دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان" است.

کمونیسته را در اذهان عمومی بد نام کند و فاشیست های روسی نیز با رنگ کمونیست زدن بر نوکران خود میخواهند نشان دهند که این رژیم هوادار خلق و مترقی است؟! اما حرف بر سر تحریف مسئله به وسیله هواداران "پیکار" است که آنها را در عمل در کنار تبلیغات روسی و آمریکایی قرار میدهد. نشریه "خلق" در همان شماره میگوید "در جنبش مقاومت... جنبشی که تکرار میکنیم نیروی اصلی آنرا توده های خلق تشکیل داده و رهبری آن نه با فئودالها بلکه عموماً با نیروهای انقلابی خریده بورژوازی و قسماً نیز پرولتری است." (مقاله افغانستان استقلال طلبی در برابر تجاوزگری). آنهایی که ذره ای صداقت در جنته دارند این پرچم دروغین "پیکار" و هوادارانش را علیه امپریالیسم روس و دفاع گدایی آنها را از خلق به خوبی می بینند. "پیکار" و هوادارانش با هوجی گری آنهایی را که به مبارزه اصولی علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم وسیطره جویی آنها معتقدند (آنهایی که "پیکار" آنها را "سه جهانی های ضد خلق" می دانند) همصدا با دارودسته ضد خلقی مسکو در کنار جنایتکاران و اشتگتن قرار میدهد. آفرین بر شما ای قهرمانان مدافع خلق.

۳- "پیکار" و هوادارانش معتقدند که: "هیئت حاکمه ایران که بیوندهای بسیاری با امپریالیسم غرب دارند... محکوم کردن تجاوز شوروی به افغانستان "تصد محکوم کردن مارکسیسم - لنینیسم را دارد". مادر پایین به تناقض گویی های "پیکار" خواهیم پرداخت ولی مسئله مهم این است که "پیکار" و هوادارانش فکر نمی کنند که این فقط کمونیستها (آنهم از نوع "پیکار") است که متعاند ضد امپریالیست است

هواداران حزب رنجبران ایران در میانه مقاله تهیه کرده و برای ما ارسال داشته اند. این مقاله را در زیر مطالعه می کنید. * * * یورش نظامی شوروی به افغانستان بعد از سه کودتا زنگ خطری برای بیدار کردن تمام "مدافعین" خلق ها بود. عده ای آگاهانه موضع به حق خود را در دفاع از جنبش مردم ستم دیده افغانستان اعلام کردند. عده ای دیگر خجولانه تأیید کردند و عده ای دیگر به سرگردگی دارودسته حزب خود فروغ توده خود را با منافع اربابان روسی هماهنگ ساخته و در سرکوب خلق افغانستان شریک شدند. در این میان گروههای بیبنا بینی که پرچم "مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم" را برافراشته اند از این یورش تکانی خورده و بعد از مدتی به خود آمده و پرچم "دفاع از خلق افغانستان" را برافراشتند. ما این یورش نظامی را آغازی برای یک یورش جهانی توسط امپریالیسم روس میدانیم و جنبش افغانستان که مانعی در برابر این تهاجم جهانی است از نظر ما دارای اهمیت بزرگی است. بنا بر این سعی میکنیم هرگونه "دفاع" کاذب از این جنبش که در حقیقت کمک به برنامه استراتژیکی شوروی و سوسیالیسم امپریالیسم آمریکا است را، افشاکنیم. جندی پیش هواداران دانش آموز و دانشجویی "سازمان پیکار" جزوهای تحت عنوان "در افغانستان چه میگذرد؟" انتشار دادند. ما معتقدیم مطالبی که در مقدمه و متن جزوه آورده شده، انعکاسی از حرکات خود "سازمان پیکار" است و بر روی آن تکیه می کنیم. ۱- از آنجائیکه "پیکار" واقعیت را نه آنطور که هست بلکه

۳- "پیکار" و هوادارانش میگویند: دفاع از افغانستان به این جهت اهمیت دارد که "برده دروغین کمونیسم و سوسیالیسم از چهره دد منش روسیه" ببرد و ماهیت آنرا به توده ها نشان و رژیم (منظور رژیم ایران) را در حمله به کمونیست ها خلع سلاح کند " و از کمونیسم "دفاع انقلابی" بکند. این درست ولی روی دیگر مسئله: "پیکار" و هوادارانش از روسیه

جاسوس نامیدن همه‌ی گروهانها ناشی از برخورد افراطی آقای خوئینی‌ها است که اساساً در کلیه‌ی مسائل چنین برخوردی دیده میشود یعنی بعد واقعی مسائل را در نظر نمیگیرد و گفته‌های خود را بر واقعیات قرار نمیدهد و بدین طریق به نفی حقایق میپردازد. اما در جاسوس نامیدن کلیه گروهانها دلیل سیاسی هم وجود دارد و برای توجیه گروهان گیری، نگهداری همگی آنها بدون تمایز گذاری به مدت طولانی، ارائه میشود.

صرف نماید؟ آیا منظور آقای خوئینی‌ها این نیست که صلاحیت خود ایشان بالاتر از مجلس است؟

پنج اساساً در شأن انقلاب بزرگ توده‌ای ما نبود و نیست که دچار یک جریان خود بخودی شود

میدهد که مبارزه علیه آمریکا یعنی گروهان گیری، یعنی بازگرداندن شاه و استرداد اموال به نفعاً برده توسط او یعنی راه پیمایی و شعار دادن‌ها!

امروز دیگر روشن شده که در میان حاکمین ما اختلاف بر سر مسائل موجود بود و هر بخش از آنها میکوشیده تا گروه فشاری برای نفوذ بیشتر، برای قدرت بیشتر، بدست آورد. مسئله گروهان گیری هم یکی از این وسایل بوده و هنوز هم هست. وسیله‌ای تا بازگان را به زیر کشند، وسیله‌ای تا بنی صدر را بعنوان رئیس جمهور ناتوان جلوه دهند و امروز وسیله‌ایست تا مجلس را به آزمایش گذارند. حالاً باز هم این سؤال مطرح است، اگر شورای انقلاب حق تصمیم گیری در باره گروهانها را نداشته، اگر رئیس جمهوری حق دخالت در امر گروهان گیری سلب شده بود و همگی تحت عنوان گروهانها "گروگان ملت هستند" آیا با همین توجیه میتوان از مجلس هم در تصمیم گیری درباره گروهانها سلب مسئولیت کرد؟ کاری که آقای خوئینی‌ها در مصاحبه‌ی خود میکوشد انجام دهد.

چنین بنظر میرسد با افتتاح مجلس، نمایندگان پیشک بنا به دستور امام خمینی مسئله گروهانها را بعنوان مسئله مهمی تلقی خواهند کرد و از طریق شور و مشورت راهحلی را برای خاتمه دادن به این "سرگرمی جهانی" پیدا خواهند نمود. در جلسات مجلس باید دید چگونه آقای خوئینی‌ها تحت عنوان گروهانها از آن ملت هستند، با طرح آن در مجلس مخالفت خواهند کرد. اما نظرات افراطی و نادرست آقای خوئینی‌ها در باره گروهانها بدینجا خاتمه نمی‌یابد. ایشان هنوز بظاهر هدف گروهان گیری را بازگشت شاه و استرداد اموال او تلقی میکنند و آزادی گروهانها را منوط به این امر میدانند. بسیاری از صاحب نظران کشور، با توسل به تقيه، نظر واقعی خود را درباره گروهان گیری ابراز نداشتند. من با تمام نفرتی که به امپریالیسم آمریکا این ابرقدرت جهان‌خوار و تجاوزگر دارم، با تمام اینکه سالهاست کارنامه‌ی جنایات بی‌سابقه‌ی این جهان‌خوار را در سراسر جهان دنبال کرده و از نزدیک شاهد قربانیان تجاوز آمریکا در جنوب شرقی آسیا بوده‌ام و سالها در مبارزه علیه آمریکا مشغول، اما شیوه گروهان گیری را در مبارزه علیه این جنایتکار قهار، شیوه‌ای نه تنها غیر موثر بلکه حتی زیان آور برای قربانیان جنایات ابرقدرت آمریکا میدانم.

اساساً در شان انقلاب بزرگ توده‌ای ما که با عظمت تاریخی خود و با نظم بی نظیرش به پیروزی رسید نبود و نیست که دچار یک جریان خود بخودی شود. چنانچه مبارزه میبایستی علیه آمریکا همه جانبه‌تر جلوگیری و گاستی‌ها در سیاستها موجود بود، آنوقت آقای خوئینی‌ها میبایستی طرحی همه جانبه و به این زمینه میبایست و به امام خمینی تقدیم میکرد تا ایشان به تمام ارگانهای انقلابی و تمام ملت رهنمود میدادند که مبارزه علیه آمریکا را طبق نقشه به پیش برند. چگونه میتوان در کشوری انقلابی که ملت و

آنطور که میخواهد بیان می‌کند. در مقدمه جزوه نامبرده مینویسد: "آمریکا و سه جهانی‌ها میکوشند اخوان المسلمین را مترقی و آنان (کمونیست‌های افغانستان) را ضد خلق بنامند". اولاً: مبارزان کمونیست به تازگی جهان معتقدند چه در ایران و چه در افغانستان وجود عناصر وابسته به امپریالیسم آمریکا و فتوالت‌های نفوذ کرده در جنبش‌ها را انکار نمی‌کنند. "خلق" ارگان تشویریک سیاسی حزب رنجبران در شماره ۱ می‌نویسد: "البته در این جنبش تعداد قلیلی از فتوالت‌ها نیز شرکت دارند لیکن این امر به هیچ وجه تغییری در اصل ماهیت فوق نمی‌دهد". ثانیاً: "بیکار" از آنجا که درک نادرست از تازگی جهان دارد بنابر این هواداران این تازگی را در کنار امپریالیسم آمریکا قرار میدهد و هم صدا با بلندگوهای تبلیغاتی کرملین و عمالش یا مارک "آمریکایی" آنها را سرکوب میکند و بعد ادعا میکند که علیه سوسیال امپریالیسم "مبارزه" می‌کند.

این امر مسلمی است که ابر قدرت آمریکا در رابطه با تضادی که با امپریالیسم روس دارد جناح‌های مرتجع در جنبش افغانستان را تقویت می‌کند تا خط استقلال طلبانه جنبش را منحرف سازد ولی وجود این گروه‌ها دلیل بر این نیست که جنبش افغانستان و مسلمانان مبارزو استقلال طلب وابسته به آمریکا هستند بلکه طوری که وجود عناصر وابسته به روس در انقلاب ایران مثل دارو دسته ضد خلقی حزب توده دلیل وابسته بودن انقلاب ایران به روسیه نیست.

بنظر میرسد حتی اگر امروز شاه و اموالش هم به ایران مسترد کنند، آقای خوئینی‌ها حاضر به آزاد ساختن گروهانها نخواهد شد، چون منظور از گروهان گیری چیز دیگری بوده‌است. مسئله قدرت سیاسی مطرح است، قدرتی که بعد از انقلاب بین جناحهای مختلف اسلامی تقسیم شده و بر سر سهم بیشتر دعوا موجود است. گروهان گیری وسیله‌ای شد برای این جدال بی فایده و مضر بحال ملت و بنابر عقیده‌ی آقای خوئینی‌ها همچنان تاحل نهایی این مسئله باید ادامه یابد.

بیچاره‌ها که اسیر این سرگرمیها و بازیهای گروهی و فرقه‌ای شده‌ایم.

ادامه دارد

است میتوان ضد امپریالیست باشد و بنابراین هر نیرویی که غیر کمونیست است و تجاوز روسیه را محکوم میکند پس "فدس" محکوم کردن مارکسیسم سلتینیسیم است. آنها فراموش می‌کنند که در بسن طبقات غیر برولتری بنا به ماهیت طبقاتی آنان و در عین ضد امپریالیست بودن احتمال دارد مخالف کمونیسم هم باشند و این ملی بودن این طبقات را نفی نمی‌کند.

ثانیاً: آنها می‌گویند که "هیئت حاکمه با غرب بیوندهای بسیار دارد... می‌داند که عملاً سوسیال امپریالیسم، بسود او عمل می‌کنند و خاک در چشم خلق می‌پاشند از یک طرف اجازته فعالیت سیاسی را به آنها داد... و از رویزیونیستها بمنابه جاده صاف کن مقاصد خویش سود می‌جویند". در این کلمات تضاد بزرگی حاکم است. از آنجائیکه "بیکار" که تضاد حاکم در جهان معتقد نیست و در این رابطه با هوچیگری تازگی جهان را "رد" میکند در اینجا نیز خود را به هجل انداخته است.

رژیمی که بیوندهای بسیار با غرب دارد به عمل سوسیال امپریالیسم اجازه فعالیت می‌دهد. "بیکار" چگونه میخواهد تضاد حاکم بر اردوگاه امپریالیسم به ویژه آمریکا و شوروی برده افکند و عمال غرب را با عمال سوسیال امپریالیسم آشتی دهد. این چگونه وابستگان به غرب اند که به عمل رقیب خود اجازه میدهند در ایران فعالیت کنند؟ این عمال سوسیال امپریالیسم چه عملکردی دارند که به نفع عمال رقیب اربابانشان باشد؟ جواب این تناقضی‌ها را "بیکار" به هواداران صادقش باید بدهد.

حتی "بیکار" تناقض گویی را به جایی میرساند که عمال سوسیال امپریالیسم را "جاده صاف کن مقاصد" وابستگان به غرب قلمداد می‌کند. این همان چیزی است که عمال سوسیال امپریالیسم هم قبول ندارند. "بیکار" خطر عمال سوسیال امپریالیسم و عملکرد آنها را نه در خدمت اربابان سوسیال امپریالیست آنها بلکه در خدمت "مقاصد" هیئت حاکمه که با غرب بیوندهای بسیار دارد" میدانند. بنابر این از آنها نه به عنوان ستون پنجم سوسیال امپریالیسم که در درون با سیاست دوگانه هم تائید و هم ضربه زدن تخریب و آشوب به راه می‌اندازند تا تانگهای روسی را به ایران دعوت کنند، بلکه آنها را نیز

"بیکار" این افشگری از روسیه را و "دفاع" از افغانستان را نه برای تحکیم جبهه ضد امپریالیستی و ضد هرمنویستی از جمله مبارزات خلق ایران و افغانستان، بلکه به این خاطر که نشان دهد این جنایات بسه کمونیسم نمی‌چسبد. چون این نظر "بیکار" در عملشان یعنی شعار "آمریکا دشمن اصلی" انعکاس می‌یابد. آنها در ادامه انحرافات خود ("بیکار" شماره ۱۵) خطر روسیه را به جنبش‌های کارگری خلاصه میکنند در صورتی که امروز امپریالیسم روس نه تنها برای جنبش‌های کارگری خطرناک است بلکه برای جنبش‌های ملی نیز یک خطر عمده‌است و یک ابر قدرتی با اقتصاد جنگی که صلح جهانی را نیز تهدید میکند. در نتیجه مبارزه علیه آن دفاعی است از خلقها و صلح جهانی‌نه دفاع صرف از کمونیسم.

در آخر نویسندگان جزوه را با یک انتقاد دوستانه از رهبری سازمان جریکهای فدایی خلق این توجیه‌گران و آرایشگران امپریالیسم و "راه کارگر" این رویزیونیستهای نو ظهور تمام می‌کنند و درباره آنها می‌نویسند: "لنینیسم به ما آموخته است که رویزیونیسم ضد خلق است و... عامل امپریالیسم است" و چند سطر بعد "این رفقا (راه کارگر و فدایی‌ها) با ترهات رویزیونیستی خود در خصوص افغانستان عملاً به دفاع از تجاوز اشغال و سرکوب خلقها برخاسته‌اند" (تاکید از ماست) اینجا همه درست ولی عمل "بیکار" و هوادارانش عکس این را ثابت می‌کند.

در انتخابات اخیر "مجلس شورای ملی" "بیکار" که به رویزیونیست و عامل امپریالیسم بودن "راه کارگر" و "فدائیان" اعتراف میکند بسه گاننده‌هایشان رای میدهد، این تناقض در عمل را هواداران صادق "بیکار" چگونه توجیه میکنند، چگونه از آنها بی که "به دفاع از تجاوز و اشغال و سرکوب خلقها برخاسته‌اند" رای میدهند آیا این شریک شدن در جرم آنها نیست؟ آیا این گذشت در اصول نیست؟! هواداران صادق "بیکار" باید این تضاد را ببینند و مورد سؤال قرار دهند و مطالعه عمیق در گذشته و حال جهان و میهن مان بکنند. ما آرزوی موفقیت برای آنها بی که با آگاهی قدم بر میدارند وصف بندی‌های سیاسی در جهان و ایران را خوب تشخیص میدهند، داریم.

★★★★★



موج عملیات تروریستی ک.گ.ب در پاکستان دولت ایران هم باید هوشیار باشد!

تجاوز وحشیانه ارتش صد هزار نفری تزارهای جدید به کشور افغانستان و کشتار بیرحمانه مردم این کشور باعث فرار و کوچ کردن صدها هزار نفر از آنها به کشور همسایه یعنی پاکستان شده است. مردمی که میهن عزیز خود را روند از خود رها کرده و اکنون در شرایط غیر انسانی و با فقر و تنگدستی، مرض و گرسنگی در کشوری بیگانه اقامت گزیده اند. اما فاشیست های توسعه طلب و جلاد خلقها اینجا هم دست از سر این آوارگان برنمیدارند. از یک طرف دولت پاکستان راز بر فشار میگذارد تا این پناهنده ها را به مسلح بفرستد و از طرف دیگر با فرستادن عمال و سرسپردگان خود باین اردوگاهها وحشت و اضطراب در بین آنها ایجاد میکنند. در چند هفته اخیر مزدوران روسیه دست به عملیات تروریستی مختلفی در پاکستان و در میان آوارگان افغانی زده اند.

بانتفجار بمبی که پنجشنبه گذشته (بیست و پنجم اردیبهشت) در ایستگاه پلیس پیشاور اتفاق افتاد، تعداد بمب گذاری ها را که در سه هفته گذشته در پاکستان منفجر شده است به ۹ فقره رسانید. انفجار دیگری در ستاد نظامی جمعیت اسلامی افغانستان صورت گرفت. تعداد کشته شدگان در ستاد مبارزین افغانی ۳۵ نفر و در انفجار ایستگاه پلیس پاکستان ۲۲ نفر بوده است.

این انفجارها اکثرا در ایالت مرزی پاکستان با افغانستان اتفاق افتاده و چند فقره نیز در محل "دارا آدم خل" که مرکز اسلحه سازی و یکی از منابع تهیه اسلحه برای مبارزین افغانی است صورت گرفته است. دو هفته پیش انفجاری در قاصبه ده مایلی مرز افغانستان که تعداد زیادی از پناهندگان افغانی

پیشاور اظهار داشتند که مامورین دولتی ۱۹ بمب دیگر نیز که در نقاط مختلف کار گذاشته شده بود قبل از موعد کشف و خنثی کرده اند. مقامات دولتی و مردم پیشاور بر این عقیده هستند که این انفجارات توسط روسها و عمال افغانی آنها صورت گرفته است. محمد اقبال مدیر اطلاعات ایالت مرزی شمال غربی که مستقیما روسها را مسئول این انفجارات دانست گفت: "این انفجارها حتما از خارج کشور طرح ریزی شده اند، وجود اینهمه افغانی در اینجا حضور چند مامور ک.گ.ب. نیز ایجاب میکند. هدف فاشیست های روسی از این بمب گذاری ها را میتوان عمدتا چنین ارزیابی کرد: روسها میخواهند به دولت پاکستان هشدار دهند که آنها میتوانند هر نقطه ای از پاکستان را که بخواهند مورد تعرض و حمله خود قرار دهند. پناه دادن به آوارگان و نیروهای مبارز افغانی و موضع قاطع پاکستان در قبال اشغال افغانستان عاقبت و پیامدهای بدی بدنبال دارد. ایجاد تضاد و نفاق بین گروههای مختلف مبارز افغانی در پاکستان آوردن روحیه مقاوم آوارگان. انفجارهای اخیر پاکستان توسط عمال کرملین باید زنگ خطری باشد برای کلیه کشورها بویژه آنهاست که در معرض تعرض این تزارهای خواسته قرار دارند و حاضر به تسلیم نیستند. کشور ما که دارای چنین موقعیتی است باید هوشیاری خود را نسبت به مسببین این انفجارها و خرابکاریها بالا برد. مقامات مسئول دولت بایستی علاوه بر عمال امپریالیسم آمریکا و رژیم بعث عراق که در عملیات بمب

شبنامه های افغانستان : دختران و پسران دانش آموز حماسه آفریدند



طبق گزارش خبرنگارهای از دهلی نو، پس از کشتار وحشیانه دانش آموزان و دانشجویان شهر کابل توسط ارتش متجاوز شوروی، شبنامه هایی علیه رژیم مستقر بودن حکومت نظامی و نیروهای گشتی شبانه، در این شهر وسیعا پخش گردیده است.

این شبنامه ها از مقاومت دانش آموزان تجلیل بعمل آورده و آنان را به مبارزه وسیعتر بر علیه دولت دست نشانده "ببرک کارمل" و اربابان روسی دعوت نموده است. شبنامه ها همچنین یاد شهیدان دانش آموز هفته اول اردیبهشت را گرامی داشته اند و از عموم مردم کابل خواسته اند که در اعتصابات عمومی شرکت نمایند.

در یکی از این شبنامه ها آمده است: شورای انقلاب جوانان به ملت مبارزه جوی مسلمان افغانستان و خانواده شهدای جوان انقلاب بویژه آنهایی که در حوادث اخیر دانشگاه کابل و مدارس سایر شهرها شهید شده اند، تبریک میگوید نه ای مادر! بخاطر مرگ فرزند بی گفنت عزاداری مکن. منتظر آن زمانی باش که روز شهدای انقلاب افغانستان جشن گرفته میشود.

در شبنامه دیگری که از طرف "اتحادیه ملی و اسلامی دانشگاه کابل" پخش گردیده است آمده: بنام خدای بخشنده مهربان - ای خراسان قطبی گور خود را از سرزمین مقدس ما گم کنید.

در شبنامه دیگری از طرف دانشجویان کابل میخوانیم: امروز ۵/۹۹ درصد مردم ما علیه روسها هستند. قیام ملی ما منبعث از اراده ملت است. مبارزین راه آزادی مصمم هستند که با دست خالی بمقابله با دشمن قدرتمند و مجهز برخیزند و شربت شهادت بنوشند.

جمعیت انقلابی زنان افغانستان بهمن منظور در شبنامه خود آورده است: ازدهای سرخ در مقابل دختران افغانی بخود لریزد. و در خطاب به ببرک کارمل نوشت: توای برده مطیع روسها، لعنت بر تو که بر روی دختران و پسران ما که جز کتاب، قلم و روسری اسلحه دیگری نداشتند با تانک، مسلسل و سلاحهای سنگین آتش گشودی و هلیکوپتر هایت از هوا به آنان تیراندازی کردند و خون صدها دختر و پسر بیگناه را بر زمین ریختی.

بنابر مشاهدات مسافرانی که از کابل آمده اند دختران دانش آموز نقش مهمی را در این تظاهرات داشتند. آنها از سربازان افغانی میخواستند که از دستورات اربابان شان سربچی کنند. در این تظاهرات ۵۶ جوان دانش آموز کشته شدند که ۳۶ نفر آنان دختر بوده است.

روزنامه دبلی تلگراف لندن در شماره اول ماهی خود گزارش داده است که هزاران پسر و دختر افغانی در سنین ۱۲ تا ۱۸ سال از طرف مقامات روس در افغانستان انتخاب شده اند تا به "مراکز ویژه تربیتی" در روسیه فرستاده شوند. این گزارش ادامه میدهد که: "از زمانی که رژیم ببرک کارمل از طرف روسها سرکار آمد تا کنون ماهانه ۴۰۰ نوجوان به شوروی فرستاده شده اند. برای انتخاب این پسران و دختران یک سازمان گسترده بوسیله واسیلی سافرونوف چوک رئیس ک.گ.ب. در افغانستان اشغالی تشکیل شده است. بنا بر گفته این روزنامه عناصر روس کنترل پلیس افغانستان را در دست گرفته و آن را بسازمانی شبیه ک.گ.ب. تبدیل نموده اند. اعضای پلیس افغانستان در شوروی و بویژه شهر کیف دوره آمادگی میبینند.

رویدادهای اقتصادی مسائل بودجه امسال کشور

بودجه ۲۷۰ میلیارد تومانی امسال بهیچوجه متناسب با نیازهای جامعه رو به تحول ما نیست. در حدود ۷۳ درصد از درآمد بودجه ناشی از درآمد فروش نفت است. بودجه امسال تنها ۱۵/۷ درصدش به هزینه های عمرانی تعلق دارد. دستگاه عظیم و پرخرج دولتی، در اثر سالها سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته آنچنان شکل گرفته که تقریبا بخش اعظم درآمد نفت را خرج سرپانگهداشتن خودش میکند. دولت نیمی از درآمد ملی را می بلعد و نزدیک به ۹۰ درصد از این رقم را صرف هزینه های جاری یعنی پرداخت دستمزد و حقوق ورتق وفتق امور جاری میکند. تازه اگر به این نکته توجه داشته باشیم که بخش عمرانی بودجه اگر بتواند عملی شود، قسمت مهمش باید صرف پرداخت حقوق و دستمزد به کارکنان بخشهای عمرانی شود. در یک کلام باید اینطور بگویم که بخش اعظم مملکت تنها کارش حقوق گرفتن و خرج کردن است و بخش بسیار بسیار کوچکی دارد تولید میکند و نان از عرق همین میخورد. یک حساب سرانگشتی نشان میدهد که کارمندان ادارات دولتی با وجود اینکه از نظر تعداد تقریبا مساوی کارگران صنعتی هستند، بیش از ۳ برابر آنها مزد میگیرند!

ویژگیهای یک بودجه مناسب

بودجه باید تعیین کند که درآمدها چیست و خرجها کدامست وضع ما از نظر درآمدها کاملا روشن است. اساس درآمدهای ما پول نفت است. بودجه امسال حتی بمیزانی بیش از سالهای گذشته متکی به درآمد نفت است. اگر اوضاع فوق العاده ناسامان کشور را در نظر بگیریم، میتوان این اتکای بیش از حد به درآمد نفت را تا حد زیادی اجتناب ناپذیر دانست و در عین حال باید تا چند سال به اهمیت درجه اول نفت در اقتصاد کشور رضایت داد.

اما خرجها برخلاف درآمد تا حدود زیادی اختیاری و ارادی است. سمت و سوی خرجها و تعیین اینکه درآمدها کجا و چگونه باید خرج شود دقیقا در دست دولت است. ویژگی اصلی یک بودجه مناسب در شرایط کنونی ما اینست که تا حد امکان در هزینه های جاری صرفه جویی نموده و در مقابل تأحد امکان روبه فعالیتهای تولیدی و عمرانی داشته باشد. اگر عملکرد بودجه برخلاف این باشد، نتیجه عملی آن تحکیم مبانی سرمایه داری وابسته، مخصوصا در بخش دولتی و تضعیف بنیادهای اقتصاد ملی خواهد بود.

بودجه امسال کشور و چگونگی تحقق و میزان موفقیت آن، در یک معنا بویژه آزمایش برای دولت جمهوری اسلامی است. سال گذشته ۶ درصد از درآمد بودجه متکی به نفت بود، در حالیکه امسال این رقم به ۷۳٪ رسیده است. سال گذشته ۸۸ میلیارد تومان بودجه عمرانی داشتیم، اما نصف این مبلغ هم نتوانست خرج شود. چونکه مملکت شلوغ بود. تصمیم گیرنده معلوم نبود و اجرا کننده هم. تازه سال گذشته نیمی از مقاداری هم که صرف هزینه های عمرانی شد بمصرف پرداخت حقوق و دستمزد به کارکنان طرحهای عمرانی رسید. اما این سؤال مطرح است که بودجه امسال برای اینکه بتواند در حد خود موفق باشد باید چه هدفهایی را دنبال کند؟

هدفهای بودجه

اوج گیری جنبش دانشجویان عامل سقوط

در آنجا زندگی میکنند اتفاق افتاد. این انفجار باعث کشته شدن سه زن و یک کودک شد. علاوه بر این مقامات دولتی در

گذاری هفته‌های پیش دست داشتند احتمال دخالت عمل ک.گ.ب. روس را نیز از نظر دور ندارند.

فرار يك ورزشكار ويتنامي به تایلند

اوغفت که در بهمن ماه گذشته که دستور مسافرت به مجارستان برای تمرین نهایی المپیک مسکورا دریافت کرد تصمیم به ترک ويتنام گرفت، زیرا بعلت کنترل شدید امنیتی در مجارستان و مسکو امکان فرار وجود نداشت.

این دوندۀ جوان که برنده مدال برنز سال ۱۳۵۲ در بازیهای منطقه جنوبشرقی آسیا در مالزی میباشد چند روز پیش به اردوگاه پناهندگان در "لیم سینگ" واقع در تایلند وارد شد.

روزنامه تایلندی "بانگ کک پست" در سهشنبه گذشته (۲۳ اردی بهشت) گزارش داد که یک دوندۀ جوان ۲۳ ساله ويتنامي بنام "گان تیوتو" که قرار بود در دو ۸۰۰ متری بازیهای المپیک شرکت کند به تایلند فرار کرده است. این دوندۀ ويتنامي به روزنامه تایلندی گفت که همراه با گروهی از دوستانش هرکدام نهد دلار پول روپهم گذاشتند و با آن یک قایق کوچک خریده واز طریق دریااز ويتنام فرار کرده‌اند.

درس تیره جنوی

مثبت دهد. دانشجویان نیز متقابلا موافقت کردند که دست از راه‌پیمایی بردارند و تااواخر هفته بدولت فرصت دهند تا بهوعده‌های خود عمل کند. اما دولت سر سپرده و ارتجاعی بجای برآورده کردن خواسته‌های دانشجویان اقدام به سرکوب و دستگیری مخالفان و آزادی خواهان، تعطیل دانشگاهها،سانسور کامل مطبوعات وحتى لغو بحث آزاد کرد. اما این اعمال فاشیستی وسرکوب گرانه نه تنها باعث خفه کردن جنبش های اعتراضی نشد بلکه بعکس خود تبدیل شد. مبارزات توده‌ای اوج بیشتری گرفت و اقشار و گروههای بیشتری به مبارزه کشیده شدند. در مقابل جنبش جنس رشد پاینده مردم بود که دولت ضد خلق "چین کیون" مجبور به استعفا شد.

رنجبر و خوانندگان

آبهای گرم خلیج فارس. باآرزوی موفقیت برای شما و باآرزوی استقلال برای ایران زمین محمد - آرزاهدان

رنجبر- دوست عزیز طرح پیشنهادی‌ات را بصورت کاریکاتور مشاهده می‌کنی. البته باکمی تغییر. کیانوری نه درحال تقدیم ایران به ارباب بلکه در خیال انجام چنین خیانتی نشان داده شد، چون فکر می‌کنیم همین "خیال" برای دار و دسته منقوری چون باند کیانوری بس است.

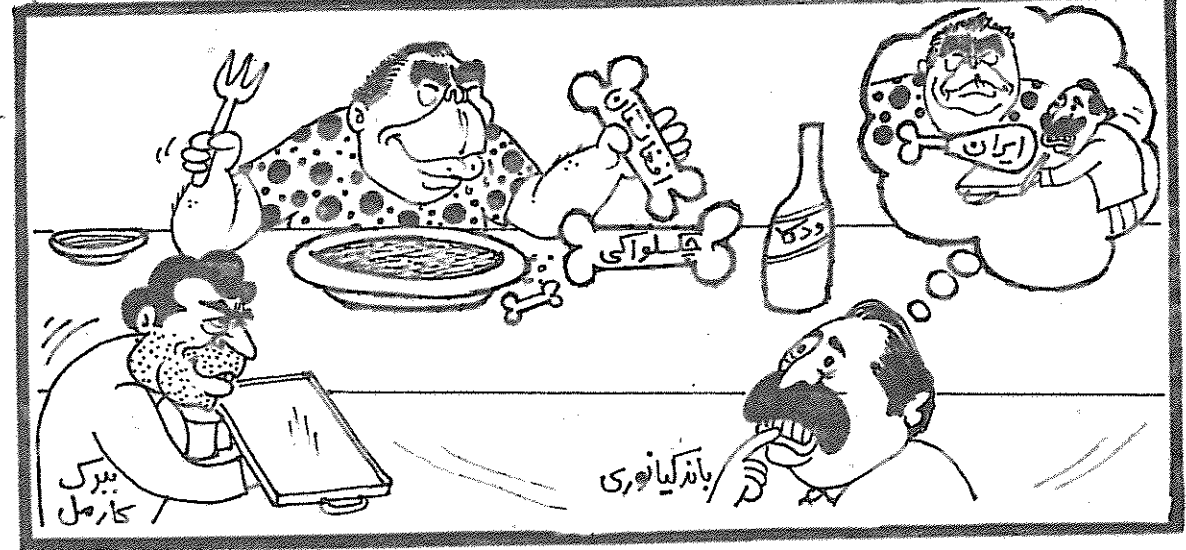
سه قدم با میز فاصله دارد مشغول آوردن سینی که در آن استخوان پر گوشتی بنام ایران مشاهده می‌گردد، دیده میشود.

این طرح بدین جهت به مغز من خطور نمود چون در نمایشگاهی که آوارگان افغانی برپا کرده بودند و یکنفر از آنان نیز ازبلندگوتوضیحاتی در مورد تجاوز روس تجاوزگر میداد همیشه این جمله را تکرار می‌نمود، "ای مردم مسلمان ایران، افغانستان هدف نیست بلکه وسیله‌ایست برای رسیدن به هدف (ایران) و درنهایت

بعد از افغانستان ... ؟

خلاصه‌ای از عملیات تجاوز گرانۀ گذشته (جکسلاوکی)، و حال (افغانستان) و آینده (ایران) روس تجاوز گر که دریک طرح کاریکاتور پیاده گردیده‌است.

برژنف خائن پشت میزی نشسته ودرحالیکه تکه استخوانی کنار دست چیش (بنام جکسلاوکی) افتاده است در دست راستش استخوانی را گرفته و حدودا نصف استخوان در دهانش است. (بنام افغانستان)، البته ببرک کارمل نیز روبروی میز بحالت تعظیم در حالیکه سینی خالی که در آن افغانستان را تقدیم کرده است مشاهده میگردد وازطرف راست میز نیز آقای کیانوری در حالیکه دو



المپیک مسکو و شوت حساب شده کارگران!

سلام. درود بر رنجبران خواهشمندم در صورت امکان مطالب اینجانب را که کارگر می‌باشم در روزنامه رنجبر، درج نمایید. میگویم یکی میمیرد از درد بی‌نوابی یکی قفسا خانم زردک میخواهی! این روزها تمام اعضا ورزشی دارند فعالیت میکنند، که بالاخره به المپیک مسکو برویم. این مسئولین ورزشی که این چنین رئیس جمهور بنی صدر را تحت فشار گذاشته‌اند، انگار فراموش کرده‌اند که ما انقلاب کرده‌ایم. ودر حالی که ما کارگران ستم دیده کلی ناراحتی داریم و انقلاب ما در مسئله حساسی ایستاده آنها هوس مسکو کردند.

من بعنوان یک کارگر بشما ورزش کاران عزیز پیشنهاد میکنم. بجای اینکه بیائیم پول هنگفتی را در مسکو ولخرجی کنیم. بیائیم باهم زمان شروع المپیک مسکو یک حرکت انقلابی بکنیم. این بودجه‌ای را که در راه المپیک مسکو خرج خواهیم کرد آنرا تبدیل بیک کارخانه وسیعی کنیم تا این بیکاران و خانواده آنها را از بی سامانی نجات دهیم. اگر شما گرسنگی کشیده باشید و معتقد باین انقلاب باشید حتی با پیشنهاد من کارگر موافق خواهید بود. چون این موضوع دو معنی دارد یک نجات بیکاران، دو رسیدن به خود کفایی، در حالیکه کشورهای دیگر دارند ما را تحریم اقتصادی میکنند ما با این

بودجه امسال کشور برای اینکه بتواند منعکس کننده ضرورت‌های جامعه باشد باید علاوه بر اینکه حداکثر صرفه‌جویی را در هزینه‌های جاری میکند، ناظر به نکات زیر باشد:

- ۱- به طرحهای ضربتی و کوتاه مدت برای افزایش سریع تولیدات داخلی و رفع نسبی بیکاری وگرانی توجه فوق العاده زیادی نماید. این طرحها اساسا شامل طرحهای کشاورزی، دامپروری و صنایع سبک و متوسط تأمین کننده مواد مصرفی است. جان بخشیدن به اقتصاد روستایی، در مرکز این طرحهاست. ترکیب بودجه باید اختیارات و امکانات مالی لازم را به مناطق مختلف واگذار نماید، واز اینراه از تمرکز زیاد کارها در تهران ودر نتیجه کثرت کارها جلوگیری کند. بانکهای منطقه‌ای بوجود آورد و اعتبارات لازم را با سهلترین شرایط به تولید کنندگان کوچک و متوسط بدهد.
- ۲- طرح و اجرای وامهای میان مدت را که هدف اساسیشان حل و رفع نارسایی های زیربنایی در سیستم اقتصادی کشور باشد در نظر گیرد. توسعه شبکه‌های ارتباطی و مخابراتی، طرحهای زنجیره‌ای برای بهم پیوستن رشته‌های مختلف اقتصادی کشور، گسترش شبکه برق رسانی و راههای روستایی، تربیت کادرهای متخصص مورد نیاز واحدهای اقتصادی ملی در مناطق مختلف کشور... از جمله این طرحهای میان مدت است. این طرحها جنبه تکمیلی وگسترش دهنده برای طرحهای ضربتی و کوتاه مدت داشته و نقش حلقه واسط میان این طرحها و طرحهای بلند مدت را برای سازمان نوین اقتصاد کشور، که باید روبه قطع وابستگی وکسب کامل استقلال اقتصادی داشته باشد را بازی خواهد کرد.
- ۳- توجه به طرحهای بلند مدت، برای هماهنگی و توازن سیستم اقتصادی کشور، افزایش ظرفیتهای تولید ملی ودر نتیجه افزایش درآمد ملی ناشی از رشد تولیدات غیر نفتی. این طرحها عمدتا شامل صنایع مادر ورشته‌های زیربنایی خواهد بود که سرمایه‌های عظیم و تکنولوژی پیشرفته‌ای طلب میداند. هرگونه اقدام در این زمینه باید درجهت خدمت به ساختمان اقتصاد ملی و قطع وابستگی باشد.

شرایط تحقق بودجه

- ۱- اما عملی شدن این طرحها مشروط به تحقق عوامل دیگری است. علاوه بر نیت خوب، نمیتوان بر بستری از هرج ومرج و ناآرامی، مداراجویی با شرق و انقلابیگری کاذب، تعدد مراکز قدرت و... طرحهای بودجه را از روی کاغذ به واقعیت درآورد. عوامل بازدارنده اجرای طرحهای مثبت بودجه، اساسا عوامل سیاسی بوده و ناشی از هرج ومرج در میان حاکمین هستند. بدون حل این مشکلات کوچکترین سخنی از تحقق هدفهای مثبت بودجه نمیتوان میان آورد. حل این مشکلات در اساس، این وظایف را در مقابل حاکمین میگذارد:
- ۱- پایان بخشیدن به هرج ومرج سیاسی و جایگزینی آن بوسیله نظم انقلابی.
- ۲- اعلام صریح برنامه‌های اقتصادی، روشن کردن سیاست اقتصادی و تعیین تکلیف سرمایه‌داری ملی.
- ۳- دوری گزیدن از ماجراجویی در سیاست خارجی و مداراجویی با دوا بر قدرت.
- ۴- مبارزه قاطع و همه جانبه با کندکاری و حاکمیت بوروکراسی و دگرگونی در نهادهای اداری برای به خدمت گرفتن آنها در جهت نیازهای رشد اقتصاد ملی.
- ۵- روشن کردن تکلیف ملت با انقلابیگری کاذب.
- ۶- حل مسئله مدیریت بخصوص در واحدهای ملی شده به نفع مردم.
- ۷- براه انداختن سیستم بانکی در جهت خدمت به شکوفایی اقتصاد ملی.
- ۸- توجه به کادرهای متخصص غیر وابسته در صنایع دیگر واحدهای اقتصادی و جلب هرچه بیشتر آنها بسوی امر بزرگ ساختمان اقتصاد ملی کشور.

یک شوت حساب شده محمدرضای فاشیست را داخل دروازه مصر کردیم و تا به امروز میلیونها نفر طرفدار حق و آزادی میگویند: گل، گل، گل. این را میگویند گل واقعی نه گل مسکورا. از شورای انقلاب و رئیس جمهور میخواهم که باین مسئله توجه کنند. ورزش برای ما همیشه وجود دارد. ولی شکست چی؟

حرکت بیشتر در پیشبرد انقلاب موفق خواهیم بود. اگر هدف شما این است در المپیک مسکو گل بزنید. گل زدن را از کارگران بیاموزید. ما کارگران با اتحاد و وحدت و با مستهای گره کرده خود چنان گلی زده‌ایم که هنوز که هنوز است در دنیا تعریف آنرا می-کنند و از این گل بهتر نمیشود که با

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری
مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی
۳۱۴-۱۳۰۱ منطقه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ صورت

گفتگو با سفیر کویت

مثلاً ما پیشنها دمیکنیم که بین کشورهای منطقه یک برنامه تکامل اقتصادی در زمینه های صنایع بزرگ، ماشین آلات، پتروشیمی و غیره برقرار کنیم. سفیر کویت تجا و زنگنه می آید و در ادامه ایران را محکوم نمود و در ادامه سخنانش در مورد پشتیبانی کویت از آزاد ساختن بیت المقدس و افغانستان گفت که: "کویت خواستار آزادی بیت المقدس میباشد و باید تمام کشورهای اسلامی در آزاد ساختن این شهر مقدس و مسجد الاقصی همکاری کنند. دولت کویت همچنین خواستار آزادی افغانستان از اشغال نیروهای روسی است. ما میخواهیم که نیروهای شوروی در اسرع وقت خاک افغانستان را بدون هیچ گونه قید و شرطی ترک گویند و ملت افغانستان را از دیکتاتوران بدست خویش سرنوشت خود را تعیین کند."

آقای احمد عبدالعزیز الجاسم سفیر کشور کویت در ایران در گفتگوئی با خبرنگار روزنامه کیهان سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه سیاست و نقطه نظرهای دولت کویت را در مقابل دخالتهای دوا بر قدرت و حضور نظامی آنها در منطقه خلیج فارس و تحکیم همکاریهای میان کشورهای منطقه تشریح کرده و گفت:

دولت کویت ایمنان دارد که منطقه خلیج فارس باید از هرگونه بیگانه و وجود خارجی چه وجود بر قدرتها باشد و چه کشورهای مختلف پاک باشد و هرگز اجازه نمیدهد که در این منطقه حساس از جهان پایگاه نظامی خارجی برقرار شود. وی افزود که: "تنها راه استقرار رفاه و پیشرفت این منطقه در اینست که همکاریهای مشرک بین کشورهای حوزه خلیج فارس توسعه یابد ..."

تجاوز نظامی...

جمهوری دیمکراتیک افغانستان در باره مذاکره با ایران یا هر ساری کند (مردم چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت). شاید برای کسانی که هنوز ماهیت این باند خیانت پیشه را بدرستی نمیشناسند، این برخورد و سکوت روس نامه مردم در برابر تجاوز مرزهای ایران شگفت انگیز بنظر آید. اما برای ما و همه آنهاست که با کارنامه ننگین این مزدوران بیگانه آشنایی دارند بهیچ روی امری غیر عادی نیست.

ما بارها با ارزیابی از ماهیت و عملکرد اینان و به استناد شواهد گویای بی شمار نشان داده ایم که چگونه

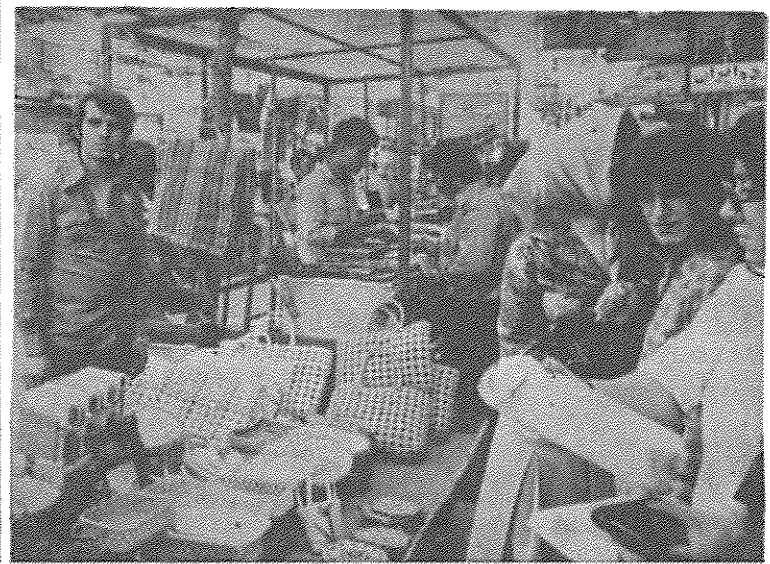
در صورت برچیدن دکها و بساط دست فروشان

دستفروشان تهران نگران آینده خود هستند

من حاضرم در هر جا که بخواهند کار بکنم و به انقلاب خدمت نمایم ...

ما نماینده دستفروشان را نمیشناسیم

از این جوانان پرسیدیم: "آیا شما اعلامیه تمایز دست فروشان را خوانده اید و آیا این نماینده را میشناسید؟" همگی گفتند که ما این نماینده را نمی شناسیم و فقط اعلامیه را خوانده ایم. یک جوان دیگر که خود را تکنسین بهداشتی معرفی میکرد گفت: "نه ما نمیشناسیم. شاید هم بخواهند برای خودشان کسب مقام و یاسو استفاده سیاسی بکنند. ولی واقعیت اینست که همه ما از بیکاری در اینجا هستیم و حالا هم اخطار شهرداری کریبان مارا گرفته است. شما ببینید این همه سرمایه من است (برروی دکهاش چند سبد و کلاه حصیری وجود داشت) و در حالیکه به یک دکه بلور بجات اشاره میکرد گفت که چند تایی هم هستند که درآمدشان خوب است ولی اکثر این مردم آه در بساط ندارند ..."



کمیسیون تحقیق: یک راه حل اصولی

پس از آنکه وزارت کشور بطور ناگهانی اعلام کرد ابوالفضل قاسمی ساواکی است و به همین جهت نمیتواند نماینده مردم درهگز در مجلس شورای ملی باشد، اما مانند موارد مشابه قبلی باین شیوه کار انتقاد کردیم و رسیدگی باین مسئله را در صلاحیت مجلس شورای ملی دانستیم. پس از آن، جبهه ملی از وزارت کشور خواست تا اسناد و مدارک مربوطه را در اختیار یک کمیسیون مرکب از آقایان مهندس بازرگان، فروهر، سنجابی و میر سلیم قرار دهد تا این کمیسیون در مورد صحت و سقم ادعای وزارت کشور تحقیق نماید. وزارت کشور باین درخواست محقانه پاسخ مثبت داد و اکنون کمیسیون مزبور مشغول رسیدگی باین جریان است و بزودی نتیجه کار خود را اعلام خواهد کرد و مردم را از سردرگمی بیرون خواهد آورد. به نظر ما بهتر بود که وزارت کشور از همان آغاز چنین کمیسیونی را دعوت مینمود و اظهار نظر در مورد این مسئله را بعهده آن واگذار میکرد. در پیش گرفتن چنین سبک کاری، امری محقانه و مثبت است و مورد پشتیبانی مردم قرار خواهد گرفت. زیرا که بنظر میرسد کمیسیون مذکور با بیطرفی کامل بتواند حق و باطل را از هم تشخیص داده و به اطلاع مردم برساند.

های دیگر هم ممکن است تصویب نشود، در شرایطی است که ایران نه تنها هیچ کوششی برای جلب اروپا ننمود بلکه برخی محافل جمهوری اسلامی ایران سیاست غلطی در برابر خورده اروپا داشته و اروپا را هم ردیف آمریکا قرار داده اند. چنانچه سیاست خارجی ایران در برابر خورده اروپا واقع بینانه و فعال نبوده و نتایج بهتراز اینها بنفع ایران و بضرر آمریکا میشود. همطور که آقای علیرضا نوبری رئیس کل بانک مرکزی نیز در پایان سفر اروپایی خود اشاره نمود جامعه اقتصادی اروپا منتظر اشاره ای از طرف ایران بود. ما معتقدیم که بنفع مبارزه ضد امپریالیستی و بنفع استقلال ایران است که سیاست انقلابی نمائی در برخورد به کشورهای جهان دوم و از جمله کشورهای با زار مشترک اروپا تصحیح شود.

«ماه ۳۳» ... و اعتقاد آنها به انقلاب ولزوم حفظ و دفاع از دستاوردهای آن را محکم کرد. در غیر این صورت وبدون لمس دستاوردهای مشخص انقلاب از جانب زحمتکشان، معنویت انقلاب نیز اعتبار خود را از دست خواهد داد و در نتیجه با ایجاد بدبینی و بی اعتمادی دعوت به جبهه وسیع برای مبارزه نیز بی پاسخ خواهد ماند. یکی از خواسته های اساسی

اخراجی اضافه شده و در نتیجه دامنه ناراضیاتی و دل سردی شده است. دیگر کارگران از "امامزاده" وزارت کار قطع امید کرده و تنها امیدشان به نیروی وحدت و تشکل خودشان میباشد. در چنین شرایطی است که وزارت کار چنین دسته گلی به آب میدهد و پشت بکارگران وبدون کوچکترین توجهی به حقانیت و اهمیت خواست عادلانه آنها را در مقابل کارفرمایان کرنش میکند و خدمتگزار و وفاداری خود را به این طبقه ابراز مینماید. اما

بر احوالی از نظر سیاسی و اقتصادی از پایداری و پایداری من روسیه بیفتند. بعلاوه موضعی که جا معه اقتصادی اروپا اتخاذ نمود و رد تصمیمات نیم بند گرفته شده در پارلمان انگلیس (در کشور)

این خائنین به میهن وظیفه‌ای جز خدمت به تحقق و سلطه امپریالیسم روسیه بر ایران برای خود نمی‌شناسند.

دارودستهای که با وقاحت تمام از هر جنایت تزارهای کرملین، از توطئه های آنها علیه خلقهای جهان، از تجاوزات بیشرمانه‌شان علیه حاکمیت ملی ملت‌ها، از تهاجم نظامی آشکار علیه کشتار و قتل عام آنها در ایرتیره و افغانستان بدفاع بر میخیزد، دارو دستهای که مبلغ آتشین انقیاد ملی است و با آگاهی از برنامه‌های ارباب بانام توان خویش شرایط ورود ارتش تجاوزگر اورابه ایران و استقبال از او راندارک میبیند، طبعاً در اوضاعی که هنوز نمیتواند از واقعه‌های نظیر تجاوز

علیه حاکمیت ملی ایران، فعالیت‌های توطئه‌گرانه خود را علیه جمهوری اسلامی ایران چه بطور آشکار و با موضع تبلیغ انقیاد ملی وجه بصورت پنهان و درپوشش ریاکارانه "دفاع" صوری از جمهوری اسلامی ایران تشدید کنند، لیکن باید بدانند که خلق آماده، ما همانگونه که با دلاوری قهرمانانه خود امیر- یالیسم امریکا را بزانو درآورد، تلاش استیلا طلبانه ابرقدرت رقیب و عمال مزدور آنرا نیز در هم خواهد شکست.

سرنوشت عمال سوسیال امپریالیسم شوروی، بدون تردید از سرنوشت عمال امریکا یعنی دارودسته شاه مخلوع بهتر نخواهد بود.

بسرشان فروریزد، زیرا اکثر آنها طعم تلخ بیکاری و نتایج آنرا چشیده‌اند. خبرنگار رنجبر با عده زیادی از این دستفروشان صحبت کرده و نظر آنها را در مورد این اقدام شهرداری جویا شده‌اند که نکات مشترک صحبت‌ها و درددل آنها را بطور خلاصه در زیر میخوانیم:

با چند نفر از آنها که برگرد یکی از دک‌ها جمع شده‌اند صحبت می‌کنیم. یکی از آنها که اهل آذر- بایجان است و فرزند خردسالش نیز با او کمک میکند، چنین میگوید: "من حدود بیست سال در تهران هستم و شظم رانندگی است. اما در این ۲۵ سال که بیکار شده‌ام با ۶ سرعائله، تمام پس‌اندازم را خرج کرده‌ام. حالا هم با فروش این خرت و ویرت‌ها (سوزن و سنجاق، عینک‌های دودی، ناخن گیر...) مجبورم جواب زن و بچه‌ام را بدهم. بدنبال کارم هستم و اگر کار پیدا شود، حاضر هستم با یک درآمد بخور و نمیر کار بکنم. من نمیگویم که این دک‌ها نباید بر- چیده بشود. ولی میگویم که باید اول برای ما ها کار پیدا کرد و بعد اینها را برچید."

یکی از جوانها حرف او را قطع میکند و میگوید: "ما میدانیم که در حال حاضر کار پیدا کردن خیلی مشکل است ولی اول شهرداری باید برای کوتاه مدت پوزم ما رسیدگی بکند. مثلا شهرداری میتواند این ساختمان فروشگاه بزرگ را که خالی افتاده‌است در اختیار ما بگذارد، و ما حاضر هستیم اجاره ماهیانه هم بپردازیم."

من یک دیپلمه بیکار هستم و از ۲ سال قبل که نتوانستم وارد دانشگاه بشوم، برای تأمین مخارج زندگی خودم مجبور شده‌ام در اینجا دک بزنم. آیا این انصاف است که شهرداری بجای اینکه یک فکر اساسی برای ما بکند و یا حداقل با ما در میان بگذارد، ما را متهم به فروش هروئین و تاجاق میکند؟ شاید چند نفر آدم ناجور هم پیدا بشود ولی این آدم‌ها راهمگی می‌شناسند...

من میتوانم بجات بگویم که اکثر این ۱۲- ۱۰ هزار نفری که دک‌دار هستند در تمام تظاهرات و راه‌پیمایی‌های قبل از پیروزی انقلاب شرکت کرده‌اند. همه ما به این انقلاب ورهبری آن امام خمینی علاقمند هستیم و نمیخواهیم به انقلاب مالطمه‌ای وارد بشود. اما اگر آقای شهردار میخواهد که خیابانهای ما تمیز باشد و سد معبر نشود باید به مشکلات ما توجه بکند. وگرنه با تهدید که نمیتوان کاری از پیش برد،

باجند دک‌دار دیگر کنار سینما آنلانیتیک صحبت می‌کنیم. آنها هم مخالف برپیدن دک‌ها نیستند. اما میگویند که ما کار نداریم. بیمه و بهداشت نداریم... یکی از آنها که میگوید ۲۵ ساله است و قبل از پیروزی انقلاب در یک رستوران کار میکرده، بانگرانی زیادی از ما پرسید: راستی تا روز شنبه این دک‌های ما را خراب میکنند؟

ما از او میپرسیم که بنظر شما راه حل این مشکل چیست؟ جواب میدهد که شهرداری میتواند این تکه زمینی را که در اینجا خوابیده‌اند، بگوید و یک بازارچه درست بکند و همه این دک‌ها را در آنجا بگذارند. ولی اگر بخواید دک‌های ما را خراب کند، من یکی حاضرم زیر بلدوزر بروم و خودم را بکشم. برای اینکه دیگر بعد از اینهمه بیکاری و درگیری جواب زن و بچه‌ام را نمیتوانم بدهم... سرنوشت این جوان ۲۵ ساله که از سختی کار طاقت فرسا خیلی بی‌تر از من خود نشان میداد بهمراه دیگر دک‌داران و هزاران بیکار دیگر شمره جنایات رژیم محمدرضای مخلوع و سلطه امپریالیسم بوده و ناشی از سیاست خائنانه رژیم منفور گذشته یعنی سیاست فقر و بیکاری و کوچ روستائیان به شهرهای بزرگ میباشد. بگفته خود دک‌داران زحمتکش با اینکه عده معدودی از افراد سودجو نیز هستند ولی برخلاف نظر برخی، اکثر این دک‌داران از افراد زحمتکش و فقیر جامعه بوده و بعنوان بخشی از بستانه انقلاب بشمار میروند.

با گویندن بساط کسب این دست- فروشان که تنها سرمایه زندگی آنها میباشد، نه تنها هیچ مسئله‌ای حل نخواهد شد، بلکه بر شدت بیکاری فقرو ناراضیاتی خواهد افزود. باید در این مورد دست به کارهای اساسی زد و این درخت تنومند بیکاری را که تبدیل به مشکل عظیمی برای مردم ما و ادامه انقلاب شده‌است قطع کرد و یا حداقل در جهت قطع آن عمل نمود. وگرنه با جمع کردن دک‌ها نه مشکل پیاده روها حل خواهد شد و نه به‌سیمای شهر زیبایی خواهد بخشید.

باید مسئولین امور در حل مشکلات خود به‌منظرات و مشکلات مردم توجه بیشتری داشته باشند و شهرداری تهران قبل از اقدام هر عملی باید به کلیه نظرات دک‌داران و دستفروشان توجه جدی نموده و با حرکت از حل مشکلات آنها و در نتیجه با همکاری و کمک دستان توانای آنها در جهت حل مشکلات خود گام بردارد.

ماده ۳۳ قانون بود، با این امید که مقامات مسئول با در نظر گرفتن دستورات اکید امام در مورد توجه به مستضعفین، بایک اقدام فوری کار- گران را از برای این ماده ضد کارگری نجات دهند که بطور ناعادلانه یک "حق" ضد انسانی ریاکار فرما داده که هر موقع اراده کرد بدون توجه به سرنوشت زن و بچه یک کارگر او را از کار اخراج کند و با سرنوشتش بازی کند؟ اما در این مدت نه تنها چنین انتظاری برآورده نشده بلکه با باز گذاشتن دست کارفرمایان روز بروز به خیل بیکاران و کارگران

توجه به کوشش برای بسیج مردم در مبارزه ضد امپریالیستی و ضرورت بکارگرفتن ابزار لازم برای این بسیج یعنی پاسخگویی به خواست کارگران ما معتقدیم اقدام وزارت کار بیش از آنچه که به کارفرمایان خدمت کند به امپریالیستها خدمت میکند. زیرا نتیجه این اقدام چیزی جز ست کردن شدید امیدهای کارگران و رشد بی اعتمادی و بدبینی آنها نسبت به دولت و انقلاب نخواهد بود و در اینصورت روشن است که سرانجام این بسیج چه خواهد بود.

خوبست آقایان وزارت کار بخود بیایند.

بین ۱۶ تا ۲۰ تن کشته، ۱۸۰ نفر زخمی و بیش از ۲۵۰ نفر دستگیر شدند.

دولت آمریکا چنان زاین قیام همگانی بوحشت افتاده که تاکنون علاوه بر بسیج کلیه نیروهای سرکوبگر خود در شهر در حدود ۴۰۰۰ نفر دیگر افراد گارد ملی و پلیس نیز به میا می وارد کرده‌است. بدستور مقامات شهر، کلیه مدارس از سه شنبه گذشته تعطیل شده اند و از حرکت اتوبوس‌ها نیز جلوگیری میشود. جنبش همبستگی با مبارزات سیاها ن میا می به شهرهای دیگر نیز کشیده میشود. از جمله در واشنگتن سیاه پوستان آمریکائی بخاطر همدردی و پشتیبانی از سیاه پوستان میا می و اعتراض به عملیات وحشیانه پلیس،

روسیاها ن آمریکا...

شهر میا می زدند. این چهارتن پلیس متهم به کشتن یک سیاه پوست هستند. ابعاد دوگسترش این جنبش بقدری وسیع بوده است که مقامات دولتی شهر میا می از ساعت هشت بعد از ظهر تا شش صبح مقررات منع عبور و مرور در این شهر اعلام کرده‌اند. شهر میا می به صحنه نبرد بین مردم و نیروهای سرکوبگر دولت تبدیل شده و سنگربندی شده‌است. هزاران نفر از سیاه پوستان برای اعتراض علیه این قضاوت و تصمیم ظالمانه دادگاه به خیابانها ریختند و خواستار تشکیل دادگاهی دیگر شدند تا مسببین جنایت شدیداً مجازات شوند.

در درگیریهای میان نیروی پلیس و سیاها ن تاکنون

ایران از تهدید...

را بی اهمیت جلوه دادند. آنان تجاوزات قبلی روسیه به خاک ایران را کم اهمیت جلوه دادند و از جمله تجاوز هواپیماهای روسی به ایران را تا دوهفته علنی نکردند.

اکنون نیز خبر میرسد که دفتر ریاست جمهوری تجاوز نظامی هلیکوپتر های روسی که از مرز افغانستان آمده‌اند رابه ایران، بی اهمیت و "عادی" وانمود کرده‌است. این باعث کمال تأسف ما و کلیه نیروهای ملی و استقلال طلب ایران است. ما باریک‌هشدار میدهیم که اینگونه مدارا جویی‌ها نه تنها از اشتباهای خرس قطعی کم نخواهد کرد، بلکه روسیه، این سکوت و بی عملی ما را قطعا به علت ضعف ما دانسته و برای تجاوزات بزرگتر بعدی ترغیب خواهد شد.

تجاوز اخیر روسیه بخوبی نشان داد که کشور ما نه تنها از طرف امپریا لیسم آمریکا بلکه همچنین از طرف سوسیال سامپریالیسم روسیه نیز بطور جدی در معرض تجاوز قرار دارد. بنابراین ما باید همان سیاست قاطعانه مشت در برابر مشت را که در مقابله با آمریکا اتخاذ کرده‌ایم در برابر تجاوزات روسیه نیز اعمال کنیم و با نشان دادن عکس العمل‌های مناسب در سطح دیپلماتیک، سیاسی و نظامی (تقویت نیروهای مسلح در مرزهای مشترک و بالا بردن آمادگی رزمی آنان برای مقابله با اینگونه تجاوزات) اراده استوار خود را برای حفظ استقلال میهن نشان دهیم.

این تنها راه مقابله با تجاوزات روسیه و پیش گیری از توطئه‌های بزرگتر بعدی است.



۲ هلیکوپتر روسی به خاک ایران تجاوز کردند.